

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۱۲
چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۵۹، شماره ۱۵

دولت جدید

و حل مسائل اقتصادی - اجتماعی

سخن گزافی نخواهد بود، اگر بگویم که عمده ترین وظیفه دولت مدت کایه جدید، پرداختن به حل مسائل اقتصادی - اجتماعی پس از انقلاب است. دوران گذار پس از انقلاب، بیش از آن طولانی شده، که بتوان تصمیم گیری و اجرای قوانین انقلابی را در زمینه تغییرات بنیادی اقتصادی - اجتماعی به تعویق و تأخیر انداخت. به سخنی می توان گفت که اکنون دیگر همه شرایط ضرور برای برآوردن توقعات مردم انقلابی ایران در زمینه تحولات

در انتظار عمل قاطع و سریع هیئت نظری دهقانان چشم بر راه اند

اصلاحات ارضی، یعنی ریشه کن کردن بساط بزرگ مالکی و استثمار وحشیانه اربابان، نادر وارد مرحله عملی حساس خود میشود. میلیونها دهقان زحمتکش ایرانی، که انقلاب ایران را همچنانکه امام خمینی گفته است، انقلاب مستضعفین علیه ستمگریین میدانند، منتظرند که با انجام اصلاحات ارضی و امری صاحب زمین بشوند. دهقانان، در زمان شاه منوره ۱۵ سال تبلیغات دروغ ریزانه «اصلاحات ارضی» شنیدماید و حالا دیگر بعد از انقلاب امیدوارند که در واقع آنچه منتظرش بودند، فرایرسد، یعنی ظلم و غارتگری مالک بزرگ پایان یابد، حق محقق آید و زمین بددهقان برسد، کشاورزی شکوفان و دام آباد و زندگی بهتر شود.
بقیه در صفحه ۴

به هوش باشیم که امپریالیسم تجاوز کار امریکا در راه است

چند روز پیش امام خمینی از آن سخن گفتند و آیت الله دکتربیتش، رئیس دیپلماتی کشور در آخرین مصاحبه مطبوعاتی خود در آن باره گفت: «اطلاعات کافی درباره این توطئه بدست ما رسیده است و کسانی که باید این اطلاعات را تقویت کنند، دارند تقویت میکنند»
این توطئه حلقه دیگری از حلقات زنجیر توطئه های امپریالیستی بر ضد نظام جمهوری اسلامی ایران است که باید بزم امپریالیسم، انقلاب ایران را در خون فرو کند و رژیمی بر سر کار آورد که حافظ منافع ملی آمریکا در ایران و منطقه باشد.
کمیته مرکزی حزب توده ایران، چند روز پس از توطئه عساکر جنام همدان، زیر عنوان «ما حدیث ما» دعیه تأکید کرد که: «... توطئه خطرناک جدیدی از داخل و خارج در شرف تکوین است. در این توطئه پیش بینی شده

حملات ضد انقلاب به دهکهای فروش کتاب ادامه دارد!

در چند روز اخیر حملات عناصر ضد انقلابی به دهکهای فروش کتاب در جلوی دانشگاه و مناطق اطراف آن، شدت روز افزون و تکرانی آوری پیدا کرده است. طبق اطلاع نوبت عمده ای از عناصر فتنه انگیز کتابفروشی ما را تهدید کرده اند که در صورت ادامه فروش کتابها و نشریات مترقی، کتابهای آنها را به آتش خواهند کشید.
در این میان گروه های با نفوذی و دیگر گروه های هرچند و مرجع طلب چپ نما نیز با بخش برخی نشریات آشکارا تحریک آمیز، بهانه های ظاهر پست بدست ضد انقلابی دهند. این اعمال تحریک آمیز باید به عنوان یکی از حلقات زنجیره عملیات خطرناک در جهت ایجاد تشنج، درگیری و تفرقه نیروها برای فراهم کردن زمینه تحقق توطئه بزرگ ضد انقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران که مقامات مسئول واقفیت تدارک وسیع آنها تأیید کرده اند، تلقی شود.
ما از مقامات مسئول کشور می طلبیم که برای عقیم گذاشتن این حملات تشنج آمیز و جلوگیری از تحقق توطئه وسیع تر کتابسوزی تدابیر فوری و جدی اتخاذ کنند.

بر ژرف و تسدنیال تجاوز امپریالیسم امریکا به ایران رامحکوم کردند

برژف و تسدنیال، رهبران اتحاد شوروی و مغولستان، در دیداری در کریمه، مناسبات میان دو کشور و مهم ترین مسائل بین المللی را بررسی کردند.
آنها یادآور شدند که همکاری میان دو کشور در همه زمینه ها توسعه می یابد و در گستره بین المللی بویژه به مسائل قاره آسیا پرداختند.
برژف و تسدنیال اعلام داشتند: «امپریالیستهای امریکا و برتری جویان چین جو آسیا را تهدید می سازند و میگویند تا وخامت اوضاع را حفظ کنند و دامن زدن نمونه های این تلاش را در بحران دیرینه خاورمیانه، در تشنجات پیرامون ایران، در سیه های علیه افغانستان و فشار نظامی گستاخانه علیه کشورهای هندوچین مشاهده میکنیم. اتحاد شوروی و مغولستان خواهان عادی شدن اوضاع و استقرار روابط منطقی مجاورت در سراسر آسیا هستند. در بیانیه مشترک اتحاد شوروی و مغولستان گفته میشود: «آسیا نیز، مانند اروپا و دیگر مناطق جهان، به آرامش نیاز دارد»

همکاری فعال امپریالیسم انگلستان با امپریالیسم امریکا بر ضد انقلاب ایران

تعطیل عملی سفارت انگلستان در ایران یکی از مظاهر همین سیاست واحد آنان در رویارویی با انقلاب ایران است. البته انگلیسها کوشیده اند این سیاست خود را با ظرافت و حیل عمل کنند و به مخالفت با ایران تظاهر نکنند، تا بتوانند به انقلاب، بخصوص از داخل بهتر ضربه بزنند، و امروز که آشکارا وارد میدان شده اند و بیش از پیش چهره کریه امپریالیسم بریتانیا را آشکارا ظاهر میسازند، باید در زیر کاسه نیم کاسه خطرناکی وجود داشته باشد.
چنانکه مطبوعات خارجی و همچنین مقامات غالب رتبه جمهوری اسلامی ایران بارها متذکر شده اند، توطئه عظیمی بر ضد ایران، با شرکت تمام نیروهای ارتجاعی منطقه و دولتهای بزرگ امپریالیستی در شرف تکوین است. هدف این توطئه جدا کردن بخشی از ایران، ایجاد یک حکومت قلابی در آن و سپس گسترش قلمرو این حکومت به تمام ایران است.
امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی، مدتها روی این نقشه کار کرده اند و عناصر آنرا، که بخشی از آن ایرانی و بخش دیگر خارجی است آماده کرده اند و اکنون میخواهند آنرا پیاده کنند. در این شرایط، اگر امپریالیستهای بریتانیا با کشور ما روابط سیاسی نداشته باشند، بهتر میتوانند با دولت «آینده» همکاری کنند. تمام نشانه های دیگر نیز اثبات میکند که امپریالیسم بریتانیا سیاست ظاهری که در روزمره خود رانست به ایران تغییر داده و به سیاست امریکایی اعمال زور آشکار پیوسته است. انزمام ناوهای جنگی به خلیج فارس، طرز رفتار با دانشجویان ایرانی مقیم انگلستان، شرکت در محاصره اقتصادی در تمام مواردیکه میتواند به احیای اقتصادی ایران لطمه زند، ملاقات اخیر سفیر انگلستان با رئیس مجلس شورای اسلامی - همراه چند سفیر دیگر - برای اعمال فشار در مسئله باصلاح گروگانها و بالاخره تعطیل عملی سفارت در ایران نشان میدهد که انگلیسها در توطئه وسیعی که علیه ایران در شرف تکوین است، نقش فعالی بعهده گرفته اند.
مردم ایران باید درم شگفتی این توطئه ها آماده باشند، اتحاد از دست رفته راه که رمز پیروزی ما در انقلاب شکوهمند بهین بوده احیا کنند، از بسط اختلافات داخلی، که عوامل دشمن محرك اصلی آن هستند، بپرهیزند و فریب شیادان و عوام فریبان را که «اسلام» امریکائی را پرچم مبارزه خود بر ضد نیروهای خلقی مدافع جمهوری اسلامی ایران کرده اند، نخورند.
همه با هم در راه دفاع از میهن و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران!

به بازماندگان فاجعه کچساران صمیمانه تسلیت می گوئیم

این فاجعه هستیم، زیرا با توجه به دسائس و خرابکاری های کوناگون و گسترده ضد انقلاب، محتمل است - بقول محبت الاسلام فرستجانی رئیس مجلس شورای اسلامی - «دست جنایتکاری که بقیه جنایات را انجام داده، در این مسئله هم باشد».

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

دهقانان چشم‌پراه

بقیه از صفحه ۹

هیئت‌های ۷ نفری اصلاحات ارضی - مطابق آئین‌نامه اجرائی قانون اصلاحات ارضی - یا تشکیل شده و مشغول عمل شده‌اند، یا دارند تشکیل می‌شوند. دهقانان بی‌سربراه چشم‌پراهند، تا این یک آزادی از قید ستم اربابی بیاید و هرچه زودتر مسئله مالکیت زمین را که مهم‌ترین مسئله ارضی است، حل کند. بی‌خود نیست که وقتی استاد رضا اصفهانی به سخنرانی در درامین رفت، انبوه دهقانان، یا همان سادگی و خلوص و صمیمیت خویش، مرتباً این بیت از دل بر خاسته راه که خودشان در جمع سروده بودند، می‌خواندند:

خدایت و پناحت اصفهانی

کشاورز چشم‌پراه اصفهانی چرا کشاورز ایرانی چشم‌پراه اوست و آرزوی موفقت او را دارد؟ زیرا میدانند که استاد اصفهانی طراح برنامه اصلاحات ارضی و خواستار کوتاه کردن دست اربابان است، زیرا شنیده‌است که وی در برابر حلات دیوانه‌وار بزرگسالکان و عمال آنها، ام از پشت‌پشتیان ادارات طاغوتی یا

روحانی‌نمایان طرفدار ارباب، مردانه مقاومت کرده و بی‌انگیز خواست‌های دهقانان تپیدست شده‌است.

کشاورزان چشم‌پراه انجام درست برنامه آکای اصفهانی و ریشه کن کردن بساط اربابی هستند. دهقانان خود را آماده استقبال و همکاری با هیئت ۷ نفری کرده‌اند و هرچاهیت تشکیل شده، نهایت مساعدت و همکاری را برای سرعت عمل و حل مسئله نشان داده‌اند. همین جهت هم، خوشبختانه، هرچاه که افراد هیئت ۷ نفری یا صلاحیت لازم انتخاب شده و طرفدار انقلاب و زحمتکشان روستاها بودند و تسلیم فشار و تطمیع و تهدید مالکان بزرگ و چماقداران و روحانی‌نماهای وعاظ‌الملاکین نشده‌اند، این کار بخوبی و پدروستی سرگرفته و قانون پیاده شده است.

اما همهجا اینطور نیست. بعضی‌ها چوب لای چرخ میگذارند. کجا اربابان، خوانین، عمال آنها، حتی بعضی پاسگاههای ژاندارمری و برخی ادارات محلی روحانی-نماها. چهجا اگر آنها بقدری رسوا و ضد دهقانان مستضعف است، که منقضا و علنا بین آنها و نهادهای انقلابی، نظیر جهاد سازندگی و سپاه پاسداران، اختلاف ظاهر میشود. این نهادها جانب دهقانان تپیدست

را میگیرند و مصراغه از عمل درست و قاطع هیئت ۷ نفری حمایت می‌کنند ولی گاه که زور و ترور و زور مالکان، متأسفانه، مؤثر واقع میشود، بناچار هیئت ۷ نفری قلع می‌شود و حتی کار باستانی نماینده جهاد و سیا نمایندگان دهقانان میرسد.

روستاهای ایران در مرحله بسیار مهمی از تکامل خود قرار دارند، که نقطه برای آینده خود دهقانان، بلکه در صورت انقلاب مستقیماً مؤثر است، زیرا که بساط بزرگ مالکی یکی از پایگاههای متمدن‌دهندگان انقلابی و یکی از کانونهای اصلی پرورش نوکران امپریالیسم و زورگویی و فساد است و برچین آن لازمه انقلاب بزرگ‌مست.

هر نیروی انقلابی صدمتی، در این روزهای حساس، باید قاطعانه جانب دهقانان زحمتکش را بگیرد و کمک کند تا یکبار برای همیشه ریشه فاسد بزرگ مالکی کنده شود. کار-شکنی و مانع‌تراشی در راه هیئت ۷ نفری، یا اعمال نفوذ، که اشخاص نابابو طرفدار استعمار و استکبار ددان وارد شوند، یک عمل ضدانقلابی است.

اما اصل مطلب آنست که دهقانان زحمتکش در اکثر دهات یا تمام قوا رفالانه در انجام اصلاحات ارضی شرکت میکنند. فریاد آنها در اجتماعات، مراجعه آنها به

فعالیت ضد انقلاب در تاکسی‌ها

طبق اخبار موثق که بدست ما رسیده، ضدانقلاب برای پخش شایعات و اخبار جعلی درباره انقلاب ایران و ایجاد محیط بدبینی، عدم اعتقاد و تفرقه در بین مردم، اخیراً دست به تشکر و تلامز زده است. عوامل ضدانقلاب برای انجام این مقصود، طبق برنامه و بطور منظم سوار تاکسی‌ها می‌شوند و در لایس افرادی که از انقلاب دشمنانه و دلدوره شده‌اند، به تبلیغ مطالب رادیوهای ضدانقلاب و انواع شایعات و اخبار تحریک‌آمیز می‌پردازند. تاکنون بطور مکرر دیده شده است که این افراد، که به‌لباسهای مختلفی نیز درمی‌آیند (از مسلمان گرفته تا چپ‌های درآتش آمریکائی) دست به چنین تبلیغات مسموم و زهرآلودی زده‌اند.

هدف ضدانقلاب، بطور مشخص نامید کردن مردم نسبت به انقلاب، ایجاد جو عدم اعتقاد نسبت به رهبری و مسئولین انقلابی ایران و فراهم آوردن جو تبلیغاتی لازم جهت وارد آوردن ضربات نهایی برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است. این افعال از جمله فعالیت‌های شبکه‌سیاسی ضدانقلاب است.

بنابه گفته مرقص رضایی، فرمانده سپاه پاسداران، افراد شبکه‌سیاسی ضدانقلاب وظیفه دارند دست به جعل و تحریف بزنند، شایعات پخش کنند و رهبران انقلاب نسبت به دودغ دهند، توارهای پخش‌راستی را به کشور وارد کرده و تکثیر کنند، به نهادهای انقلابی، به‌جهاد سپاه تهمت بزنند و علیه آنها تبلیغ کنند و...

این شبکه‌سیاسی، به‌گفته مقامات مسئول سپاه پاسداران و سایر مقامات انتظامی، منجمله حجت‌الاسلام ری‌شهری، حاکم‌شرع دادگاههای انقلاب ارتش، به‌مقتداز سبای دست نخورده باقی مانده است. شبکه سیاسی ضدانقلاب گسترده، منطبق بر دستورالعمل است و با تمام قوای خود سعی میکند تا زمینه‌های لازم برای نابودی انقلاب ایران را فراهم کند.

مقایله قاطع و سریع با این شبکه وسیع ضدانقلاب از مردم انقلابی و معتقد ایران میخواهیم، تا با حفظ هوشیاری انقلابی خویش، این عوامل ضدانقلاب را به‌راهم لاسی که درآیند، شناسایی کنند و با معرفی آنان به مقامات مسئول انقلابی کشور، در جهت کشف و نابودی شبکه‌سیاسی ضدانقلاب گام بردارند.

در ضمن از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران نیز میخواهیم که با همکاری درشناسایی و دستگیری این افراد، شبکه وسیع سیاسی ضدانقلاب را درهم کوبند.

هندوستان خواهان شرکت نمایندگان راستین کامپوزیا در کنفرانس سران غیر متعهد است

در اجلاس «دیرخانه هاستکس» سازمان کشورهای غیرمتحد، هندوستان درخواست کرد که امکان شرکت کامپوزیا در هفتمین کنفرانس سران کشورهای غیرمتحد فراهم آید.

وزیر خارجه هندوستان اظهار داشت که همه‌گونه کوشش را برای شناسایی دولت‌حکام‌سازین از سوی کشور خود غیر متعهد بعمل خواهد آورد.

مقایله با او هستم و تکرانی نداریم

(رئیس مجلس شورای اسلامی - حجت‌الاسلام رفسنجانی - کیهان، ۲۵ مرداد ۵۹)

ما در مقابل آمریکا با همه ابعاد و با همه نیروها ایستاده‌ایم و بدنی لایت گردیم که در مقابل این قدرت عظیم آمریکا هم مروان ایستاد. دشمن درصدد ضربه زدن است. ما انتظار حمله دشمن را داریم.

(امام جمعه تهران - حجت‌الاسلام خامنه‌ای، ۲۱ مرداد ۵۹)

ما احتمال توطئه (دیگر) خیلی زیاد است، یعنی همین حالا احتمال میدهم که مدتی دیگر توطئه باشد.

(مرئسی رضایی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب - ۱۷ مرداد ۵۹)

وقف و علم مسئولان به وجود توطئه خود امری است خطیر. ولی خطری از آن آمادگی برای مقایله با توطئه است. بازداشت و تیرباران عمده‌ای از عناصر شرکت‌کننده در توطئه همدان و کشف همه حته خطرناک از شبکه کودتا در ارتش، کشف دو شبکه جدید در ساری و آذربایجان غربی، که سران آن صریحاً به ارتباط با پختیار و اوسیس و پالیزیان اتراف کرده‌اند از جمله اقدامات شایان تحسینی است که مقامات مسئول در مقایله با توطئه گران بعمل آورده‌اند.

لما این هنوز کافی نیست. باید با شتاب و بیگیری فراوان، بخش‌های کشف شده شاخه نظامی و فضای شاخه سیاسی توطئه را کشف و سرکوب کرد تا امکان شرکت در توطئه‌های دیگر را نیابند.

پاسداری از دستاوردهای انقلاب ایجاب میکند که به جوازات این اقدامات، پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی امپریالیسم و ضد انقلاب در کشور ما ریشه کن شود تا امید امپریالیسم به این یا آن گروه وابسته، برای بازسازی مواضع خود در کشور ما، قطع گردد.

فزون بر اینجه، وظیفه عاجل مسئولان است که از یلدری و آمادگی کوهانند و ایثار و فداکاری و بردخ مردم به‌دکتر بهره‌برداری کنند و با تشکل آنان در جبهه‌ای متحد، مانع از خنثی شدن و هرز رفتن نیروها شوند.

بپوش بلشیم که امپریالیسم آمریکا در راه است، مبارک‌کفالت ما ندامت یبار آورد.

به‌هوش باشیم

سرعه، اخیراً گفت که نیروهای هواپرد آمریکائی در عرض ۴۸ ساعت میتوانند در خلیج فارس وارد عمل شوند و واحدهای نظامی آمریکا که قرار است به منطقه خلیج فارس اعزام شوند، در ایالت کالیفرنیا در شرایطی شبیه زشت و بیابان ایران سرگرم تمرینات نظامی هستند و قرار است تمرینات شبیهی در صحرای صنی منطقه‌ای که به‌ایران نزدیکتر است، آغاز شود. رادیو مسکو خبر میدهد که «این منظور هواپیماهای لانتوم آمریکا از راه ایالت کالیفرنیا به مصر وارد میشوند. فائومها به مصر وارد شدند. تعداد آنها ۱۲ کانت است که ظاهراً بیبانه شرکت در مانور مشترک مصر و آمریکا است.

یکی از همین فائومها حکم‌بازگشت از یک ماموریت در نزدیکی قاهره سقوط کرد. (روزنامه جمهوری اسلامی - ۲۶ مرداد ۵۹)

انور سادات، که خنک کشورش را برای انجام توطئه علیه انقلاب ایران، دودستی پیشکش امپریالیسم آمریکا کرده، در توطئه جدید مشارکت فعال دارد. سازمان امنیت مصر و نیروهای مسلح مصر، گروه غربی و خرابکار به تعداد ۵۰۰ نفر آماده کرده‌اند که با سوارکپهای فراری همکاری دارند. ملاقات اشرف و اوسیس در مصر در ارتباط مستقیم با همین توطئه است.

بازوی مسلح گر و فعال امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب خنک، که شاخه سیاسی آن دست نخورده باقی‌مانده و بخشی از شاخه نظامی، که در توطئه ۱۸ تیر شرکت داشت، هنوز کشف نشده است. روشن است که باید تا دیر نشده، این هر دو شجره خنک را از بین بر کرد و امکان حیات را از آن گرفت.

جای خوشوقتی است که مسئولین مملکت هم به خطر وقوف دارند و هم به ایمل گسترده آن، و این نکته را هرگز بزیانی بیان نداشته‌اند. مطابق گزارشهایی که ما دریافت کرده‌ایم و اطلاعات نسبتاً قوی و روشنی که بدست آورده‌ایم، دشمنان این ملت تقریبی بر آن شده‌اند که از راه توطئه و تحریک بالاخره ما را به زانو درآورند. (رئیس - جمهوری، ۲۳ مرداد ۵۹)

ما مطمئن هستیم که شیطان بزرگ به این آسانی دست از سر ملت ما برنمی‌دارد و ما هم آماده

بازوی مسلح گر و فعال امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب خنک، که شاخه سیاسی آن دست نخورده باقی‌مانده و بخشی از شاخه نظامی، که در توطئه ۱۸ تیر شرکت داشت، هنوز کشف نشده است. روشن است که باید تا دیر نشده، این هر دو شجره خنک را از بین بر کرد و امکان حیات را از آن گرفت.

بهرگرددن پتی از موعد ایل از یلال به تلال

بهرگرددن پتی از موعد ایل از یلال به تلال بنظور برآ کردن جنگ تحلیلی، اختصاصی مبالغ هفتت جهت قطع عتبار مستعد و استخفاف مزدور از این آنها...

تحریکات امپریالیسم در منطقه بلوچستان در میان خلق بلوچ نیز گسترده است. عمان و پاکستان سرزمین برای ایجاد تحریک و تقنین در میان بلوچ‌هاست. در خنک عمان جاسوسان آمریکائی چند اردوگاه آموزشی تشکیل داده‌اند که تیزریم طلبان بلوچ را آموزش میدهند. مریدان این اردوگاه‌ها امپریالیسم انگلیسی هستند. پاکستان از یکسو حلقه رابط سیا با تیزریم‌طلبان بلوچ است و از سوی دیگر اردوگاه‌های فراریان افغانی را که در پشاور قرار دارند و مستقیماً از منابع آمریکا و سیا مستور میگیرند. به اردوگاه‌های فراریان افغانی در خراسان که در شهرهای بیرجند و تربت جام و تربت حیدریه و مشهد قرار دارند مرتبط ساخته و با این وسیله‌ها نیروهای حیه را به آنها می‌رسانند.

براساس ملحق خرابکاران همین اصطلاح جمعیت‌های اسلامی افغانی است که حجت‌الاسلام صفائی، رئیس دادگاه انقلاب مشهد و فرمانده سپاه پاسداران آن منطقه، چندی پیش گفت که سران این جمعیت‌ها یا عمال جلوسی امپریالیسم آمریکا در تماس هستند و دستور انحلال آنها را در سراسر منطقه خراسان صادر کرد.

امپریالیسم آمریکا علاوه بر گریوند توطئه و تهاجمی که از سرحدات ترکیه تا منطقه بلوچستان به دور انقلاب ایران کشیده است، در خارج از مرزهای ایران نیز، به‌دست متحدانش در منطقه و خارج از آن، اقدامات گسترده‌ای را برای سرکوب انقلاب کدارک دیده است. چنانکه قبلاً هم یادآور شدیم، طبق اطلاع خبرگزاری قس از واشنگتن، فایالات متحده و انگلیس دربارۀ طرح تقسیم ایران سرگرم‌اند. کرمانه، هراکان ششم آمریکا جنسون دیدار دوستانه و ارد خاک مصر در بندر اسکندریه شده‌اند. روزنامه فرارده از دورد ۱۸۰۰۰ تنگ‌ساز آمریکائی به منطقه خلیج فارس خبر داد. ژنرال بل کفر، فرمانده کل نیروهای ۲۰۰ هزار نفری واکش

روستا، مالک این منطقه محمدخان ضرغامی نیست و محمدخان قتل مالک بخشی از یکی از روستاهای ابرج است.

۳- پاراگراف سوم خبر کاملاجدا از دیوارگراف قبلی و راجع به اختلاف مالک بزرگ‌ساز متفرخرد - مالک است. و به‌ویژه به محمدخان ضرغامی مربوط نمیشود.

بقیه از صفحه ۹

وفاکار امپریالیسم آمریکائی که اقداماتی علیه انقلاب ایران صورت میگیرد که یک بعد آن آموزش و بیخ عتبار فراری است. رئیس‌ایل آجلو، بنام قولتق شلین، که در آغاز انقلاب به فرانسه گریخته بود، از دو ماه پیش به ترکیه آمده و عتبار فراری را متشکل میکند و این علاوه بر نتیجه شوم سیاست خارجی وابسته ترکیه در هاستکی یا امپریالیسم آمریکائیست که خنک آن کشور را به پایگاه نظامی علیه رژیم‌های شرقی همسایه بدل کرده است.

اقدامات خصمانه رژیم بعثی عراق، از درگیری‌های بی‌درمیزی و تهاجم به مناطق سرحدی خنک مین ما گذشته و به شرکت فعال و هم‌جانبه در توطئه‌های امپریالیستی علیه انقلاب ایران مایلینده است. دولت بعث عراق نه تنها گروه‌های ضدانقلابی را زیر نظر قاسملو، پالیزیان، اوسیس، گومله و... مسلح و مجرم میسازد بلکه با پول و امنحه از آنان نوکران و فابوری در خدمت سیاست تهاجمی‌گرانه خویش ساخته است. که در خیانت به‌ایران و خست‌گزاران به‌امپریالیسم آمریکا و بعث عراق، روی دست هم بلند میشوند این سرسردگی غرت‌کنگیز بپوشود در نامه قاسملو به بش‌های عراق مشاهده میشود، که تمامی شرایط رژیم بعثی عراق و از جمله فرستادن دو نماینده از سوی آنرا یا دل و جان می‌پذیرد، قتل بشری آنکه تنها او را مسلح کنند و تنها او را بتوان کارگر خود خود در

کرهستان ایران بشامندا همین‌پول و اسلحه و مشوران اجرامی حکام بعث عراق هستند که کرهستان را بزدک و خون کشانده و مانع از حل مسالمت‌آمیز مسئله شده‌اند. تا از کرهستان بمثابه پایگاه مسلح ضد انقلاب و کفنه یرش برای هجوم به قلب انقلاب استفاده کنند.

خیاری بعث‌های عراق با امپریالیسم آمریکا، در مقاله «تور» ارگان حزبیت عراق، پزتاب‌داری کماز پختیار مزدور حمایتو هذیان‌های او را درباره انقلاب ایران و رهبران آن تشخوار میکند.

حمایت رژیم بعثی عراق از نیروهای ضدانقلابی، سفاکی‌هاضربان فراری ارتش، وجه دیگری از تلاش رژیم بعثی عراق در حاکماتی با امپریالیسم آمریکائی است. شاکایت مالک از خردمالکان ۴۱۱ در شماره ۳۰۲ نامه «مردم» درج شده‌است، دقیق نیست و به‌همین دلیل ضمن یوزش، توضیحات و تصحیحات ذیل را ضرور میدانیم:

۱- «دایره» روستا نیست، بلکه منطقه‌ای است شامل ۲۵ الی ۳۰ غیری که تحت‌منوان شاکایت مالک از خردمالکان ۴۱۱ در شماره ۳۰۲ نامه «مردم» درج شده‌است، دقیق نیست و به‌همین دلیل ضمن یوزش، توضیحات و تصحیحات ذیل را ضرور میدانیم:

توضیح

غیری که تحت‌منوان شاکایت مالک از خردمالکان ۴۱۱ در شماره ۳۰۲ نامه «مردم» درج شده‌است، دقیق نیست و به‌همین دلیل ضمن یوزش، توضیحات و تصحیحات ذیل را ضرور میدانیم:

تکذیب

آکای علیرضا زارمی، که عکس وی در شماره ۲۹۰ نامه «مردم» به‌جانب رسیده‌است، طرف‌نامه‌ای به نام «مردم» اعلام کرده‌است که وی افغانی نیست از درنامه خود از جمله نوشته‌است: «... اینجانب علیرضا زارمی... که

توضیح

غیری که تحت‌منوان شاکایت مالک از خردمالکان ۴۱۱ در شماره ۳۰۲ نامه «مردم» درج شده‌است، دقیق نیست و به‌همین دلیل ضمن یوزش، توضیحات و تصحیحات ذیل را ضرور میدانیم:

علی (ع) و دوازده فرزندش و قبول داشتن رهبر انقلاب دنیا و رهبر تمام انسانهای روی زمین و قبول داشتن رهبریت امت مسلمان یعنی حضرت امام نایب‌الامام خنثی را با جان و دل و باوجود رحمانیم قبول دارم و از شما می‌خواهم که عکس و سخنان کذباتی که شما از اینجانب در روزنامه خود درج کرده‌اید، تکذیب کنید...»

در شماره ۲۹۰ چهارشنبه ۱ مرداد ۱۳۵۹ عکس اینجانب را مخفی‌پندون اینکه کسی ببیند، از زاویه بسیار انداخته... و مرا افغانی و گروهک ضدانقلابی شمریدید... من از آن روزنامه میخواهم که برای تکذیب... در روزنامه خود درج کنید که من نام علیرضا زارمی، نماینده مجلس، متولد ۱۳۳۸، شماره شناسنامه ۸۹۰

در شماره ۲۹۰ چهارشنبه ۱ مرداد ۱۳۵۹ عکس اینجانب را مخفی‌پندون اینکه کسی ببیند، از زاویه بسیار انداخته... و مرا افغانی و گروهک ضدانقلابی شمریدید... من از آن روزنامه میخواهم که برای تکذیب... در روزنامه خود درج کنید که من نام علیرضا زارمی، نماینده مجلس، متولد ۱۳۳۸، شماره شناسنامه ۸۹۰

در شماره ۲۹۰ چهارشنبه ۱ مرداد ۱۳۵۹ عکس اینجانب را مخفی‌پندون اینکه کسی ببیند، از زاویه بسیار انداخته... و مرا افغانی و گروهک ضدانقلابی شمریدید... من از آن روزنامه میخواهم که برای تکذیب... در روزنامه خود درج کنید که من نام علیرضا زارمی، نماینده مجلس، متولد ۱۳۳۸، شماره شناسنامه ۸۹۰

باد و بنیاد انقلابی نیکاراگوئه آشنا شویم

دراوج فعالیت انقلابی "جبهه ساندینیست آزادی ملی" و پیش از سرنگونی رژیم سوموزا، در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۵۸، در مهاجرت دولتی به نام "دولت موقت بازسازی ملی نیکاراگوئه" تشکیل شد. این بنیاد در روز ۲۸ تیر ۱۳۵۸، پس از سقوط رژیم خاندان سرسبرده سوموزا، بعنوان "شورای دولت بازسازی ملی"، زمام حکومت را در نیکاراگوئه بدست گرفت.

"شورای دولت" نخست از افراد زیرتشکیل می شد، که بعنوان نمایندگان نیروهای مختلفی که در مبارزه در راه سرنگونی سوموزا، شرکت داشتند، در "شورا" عضویت یافتند:

دانیل اورنگا ساودرا، مویز حسن مورالس، ویولتا باریوس چامورو، آلفونسو رولبو گالکس، و سرخیو رامیرز مرگادو.

یکی از نخستین گام های "شورای دولت" انتشار پیامی "به خلق قهرمان نیکاراگوئه، همه خلق های برادر جهان و دولت های دموکراتیک بود، که در آن استقرار آزادی، عدالت و دموکراسی در نیکاراگوئه مزده داده شده بود.

"شورای دولت" بالاترین ارگان اجرایی نیکاراگوئه است. نخستین تصمیم این "شورا" "فرمان شماره ۱" مبنی بر مصادره اموال هنگفت سوموزا بود.

در بهار امسال، رهبر "جنبش دموکراتیک نیکاراگوئه" - حزب محافظه کار وابسته به بورژوازی بزرگ نیکاراگوئه، آلفونسو رولبو گالکس، در اعتراض به سیاست "جبهه ساندینیست آزادی ملی" از "شورای دولت" استعفا کرد. چندی بعد نیز ویولتا باریوس چامورو به علت بیماری از "شورا" کناره گرفت. بجای او دوتنفر نامبرده، آرتورو کروز، مدیر سابق بانک مرکزی نیکاراگوئه و رافائل گوردووا ریواس به عضویت "شورای دولت" انتخاب شده اند.

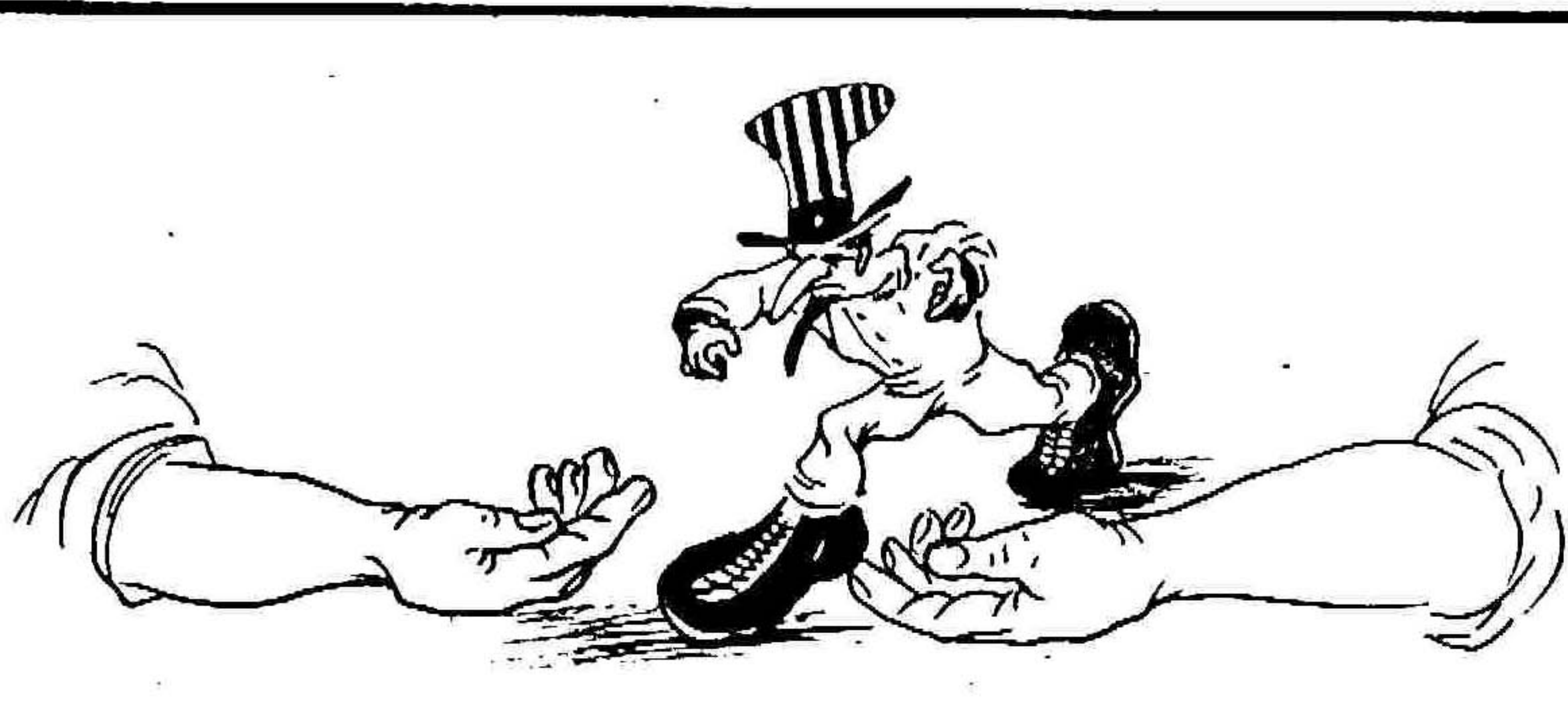
قانون اساسی نیکاراگوئه، علاوه بر "شورای دولت"، تشکیل بنیادی بنام "شورای حکومت" را نیز تسجیل می کند، که از همه نیروهای شریک در مبارزه ضد سوموزا و روند بازسازی ملی پیروز پیروزی ترکیب می یابد.

محافل بورژوازی بزرگ نیکاراگوئه کوشیدند، تا در آستانه بنیانگذاری "شورای حکومت"، از قدرت "جبهه ساندینیست آزادی نیکاراگوئه" و هم پیمانان آن در "شورای حکومت" بکاهند و آنرا در انحصار خود در بیاورند. اما از ۴۵ کرسی موجود در "شورای حکومت"، که میان ۲۹ سازمان تقسیم شده است، اینک ۲۴ کرسی در اختیار "جبهه ساندینیست آزادی ملی" و سازمان های تودهای متحد آنست.

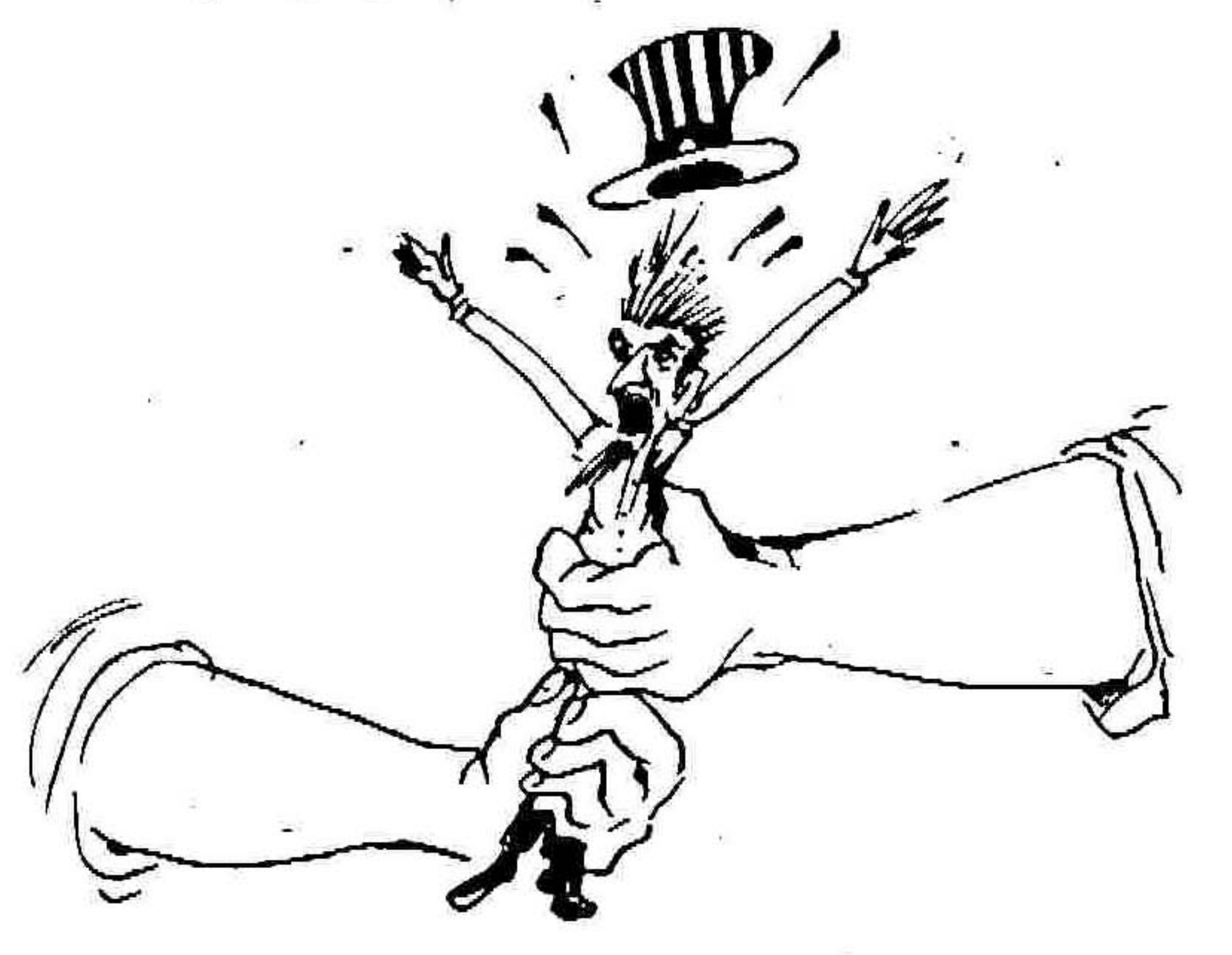
از جمله وظایف "شورای حکومت" عبارتست از بررسی، تصویب و تغییر لوایحی که از سوی "شورای دولت" ارائه می شود، تهیه پیشنهاد لایحه های قانونی و تدوین قانون انتخابات و قانون اساسی آینده نیکاراگوئه.

"شورای حکومت" در آغاز هر دوره اجلاس با اکثریت ساده آراء، یک رئیس، سه نایب رئیس و سه منشی بر میگزیند. با انتخاب باریادو آرسه عضو رهبری ملی "جبهه ساندینیست آزادی ملی" به سمت نخستین رئیس "شورای حکومت" از خدمات برجسته "جبهه" در مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری سوموزا تجلیل بعمل آمده است.

تاکنون کمیسیونهای مختلفی برای دفاع، امور خارجه، آموزش، فرهنگ، امور مالی، در "شورای حکومت" تشکیل شده است.



عدم اعتمادی های ترقی به نفع امریالیسم تمام می شود.



اعتمادی های ترقی، ضامن پیروزی امریالیسم امریکائیت!

لیبی دوست انقلاب ایران

پس از آنکه امپراطوریهای مستعمراتی در دوران پس از جنگ دوم جهانی، یکی پس از دیگری، در زیر ضربه جنبشهای آزادیبخش فرو پاشیدند (روندی که تنها به پشتیبانی مؤثر دنیای نوین سوسیالیستی به سرانجام پیروزمند خود رسید) این سؤال در برابر دولتهای نوپیدا آفریقا و آسیا با تمام حدت خود مطرح گشت که این کشورهای نواستقلال چه راه تکاملی را باید در پیش گیرند؟ اکثریت قریب باتفاق آنان، که طعم نظام سرمایه داری را چشیده بودند، سرمایه داری را مانند یک نظام اجتماعی - اقتصادی نفی می کردند. در عین حال، جز گروه کوچکی از آنان، راه مشخص دیگری رانیز برای جلوگیری از رشد سرمایه داری ارائه نمی کردند.

در چارچوب این نفی و این بی برنامهگی بود که، در داخل هر یک از این کشورها ستمهای فکری، سیاسی و اقتصادی رنگارنگی پدید آمد، که هر یک مدعی اصالت و خلقت و صحت بودند.

بیشتر این ستمها سرمایه داری را نفی می کردند و در عین حال سوسیالیسم به معنای علمی آن رانیز نمی پذیرفتند. ولیبی یکی از این کشورها بود که بتدریج توانست خود را از دایره نفوذ اقتصادی و سیاسی دنیای امپریالیستی بیرون بکشد و در اثر همکاری با دنیای سوسیالیسم، موقعیتهای چشمگیری بدست بیاورد.

تلاش لیبی برای اتخاذ خط مشی مستقل در سیاست اقتصادی و بخصوص سیاست خارجی، با مقاومت سرخخانه دولتهای امپریالیستی روبرو شد. لیبی یکی از پیگیرترین کشورهای عربی در مبارزه علیه صهیونیسم و امپریالیسم است. رهبران لیبی میدانند که بدون پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی نمیتوان علیه صهیونیسم و امپریالیسم با موفقیت مبارزه کرد و از دایره شعار پابیرون گذشت.

مصاحبه سعدمجیر، سفیر لیبی در ایران، با خبرنگاری پارس، سیاست ضد امپریالیستی لیبی را به روشنی نشان می دهد.

سفیر لیبی پیشنهاد می کند که برای مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم، جبهه مشترکی از ایران، لیبی، فلسطین، الجزایر و سوریه تشکیل گردد.

به نظر ما، تشکیل این جبهه، بعنوان نخستین گام در رویارویی با خطر امپریالیسم و صهیونیسم، نعمتها در مسئله بیت المقدس، بلکه همچنین در حفظ دستاوردهای انقلاب ایران و همه کشورهای

ضد امپریالیستی منطقه میتواند پایه عمل قرار گیرد. سفیر لیبی مسئله روابط بین کشورهای "دنیای سوم" و جهان سوسیالیسم را بخوبی درک می کند و می گوید:

"اگرما اسلحه هائی را که از شوروی گرفتیم و از آن صحبت زیاد می شود، نداشتیم، الان سادات رهبر جمهور مصر و لیبی با هم بود."

این واقعیت را می توان تعمیم داد:

اگر پشتیبانی و کمک اتحاد شوروی به افغانستان نبود، امروز ضیاء الحق رهبر جمهور پاکستان و افغانستان هردو با هم بود. اگر سوریه و سازمان آزادیبخش فلسطین به پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی متکی نبودند، اگر اسرائیل و اربابانش از قدرت دنیای سوسیالیسم نمی ترسیدند، امروز مکه و مدینه هم در اشغال اسرائیل بود و حجاج بایستی از آقای یگین اجازه زیارت مکه را می گرفتند (هر چند ملک خالد هم چندان فرقی با یگین ندارد، زیرا میلیاردها دلار درآمدی را که از نفت و از حجاج می گیرد، به بانکهای آمریکایی می سپارد و آنها هم بخشی از سود آنرا برای خرید سلاح به اسرائیل می دهند.)

تمام دنیای سرمایه داری، پس از انقلاب لیبی، سرهنگ قذافی و سایر رهبران این کشور را می گویند و قذافی را "دیوانه و مخبط" می نامند. امپریالیستها تمام اتهاماتی را که اکنون بر امام خمینی وارد می کنند، به او نیز وارد می کردند. هدف از تمام این تبلیغات بدنام کردن انقلاب لیبی بود، که می خواست زیر پرچم "اسلام" در لیبی جامعه سوسیالیستی بسازد.

شاه ملعون نیز بدستور اربابانش بالیبی قطع رابطه کرد.

پس از آنکه مصر به دلیل خیانت سادات، در دامان امپریالیسم آمریکا افتاد، ارتش مصر در مرز لیبی هر روز فتنه های برمی انگیزد (درست مانند آنچه امروز عراق در مرزهای ایران می کند) ولی خلق لیبی به کمک اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی تمام این فتنه انگیزیه های را با افسوس و انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی خود رابه پیش برد. لیبی، این کشور بیابانی، که پیش از انقلاب یکی از عقب مانده ترین کشورهای جهان بود، امروز در اثر اتخاذ شی صحیح در سیاست داخلی و خارجی - جلوگیری از رشد سرمایه داری و همکاری با دنیای سوسیالیسم - با گامهای بلند در مسیر رشد و ترقی پیش می رود.

متأسفانه ما در ایران دستهای مرموزی را در کار می بینیم، که هر چند مدت یکبار، در روابط ایران و لیبی اخلال می کنند و می خواهند مناسبات این دو کشور را تیره کنند. بهانه هر چه باشد، اصل مسئله روشن است. امپریالیستها نمی خواهند بین نیروها و کشورهایی که سیاست پیگیر ضد امپریالیستی دارند، دوستی و هماهنگی بوجود بیاید، زیرا آن روز که تمام کشورهای این منطقه بتوانند جبهه واحدی به پشتیبانی دولتهای سوسیالیستی بر ضد امپریالیسم تشکیل دهند، باید فاتحه

در جهان سوسیالیسم

کاهش یابنده سوانح کار در جمهوری دمکراتیک آلمان

امیت اجتماعی در جمهوری دموکراتیک آلمان همچون در شرایط حفاظت کار نمایان میشود. شماره نازل سوانح کار در بخشهای گوناگون اقتصاد ملی آلمان دموکراتیک در سطح بین المللی بی نظیر است. این عدد در گستره فعالیت وزارت زمین شناسی ۱۰/۶ به نسبت هر هزار شاغل (۱۳۵۶)، در مردان ۱۳/۴ در هزار (۱۳۵۷) و در گستره وزارت ذغال سنگ و انرژی، ۱۶ در هزار (۱۳۵۶) است.

جدول زیر شماره سوانح کار را در مجموعه اقتصاد ملی جمهوری دموکراتیک در ۲۵ سال گذشته نشان میدهد.

سال	شماره سوانح کار به نسبت هر هزار شاغل
۱۳۳۴	۲۹/۵
۱۳۳۹	۲۸/۶
۱۳۴۹	۲۰/۸
۱۳۵۴	۲۳/۰
۱۳۵۷	۲۱/۳

در جهان سرمایه داری

افزایش روز افزون بودجه تسلیماتی در آمریکا

چهار سال پیش، جیمی کارتر، بهنگام احراز ریاست جمهوری، وعده داد که هزینه های "دفاعی" و نرخ تورم را پائین خواهد آورد. نگاهی به لایحه بودجه سال آینده، که در تاریخ ۹ مهر ماه ۱۳۵۹ شروع خواهد شد، نشان میدهد که، این وعده های بیش نخواهد ماند. همچنین از کاهش مالیاتها، یکی دیگر از وعده های جیمی کارتر، در این لایحه خبری نیست.

در نگاه اول، ممکنست که بودجه سال آینده حتی مثبت بنظر آید. درآمد ها از ۵۲۳/۶ به ۶۰۰ میلیارد دلار و هزینه ها از ۵۶۲/۶ به ۶۱۵/۸ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. بنا بر این کسر بودجه ۱۶ میلیارد دلاری، چنان زیاد بنظر نمیرسد اما صله بر سر اینست که، در این ارقام، ۱۷ میلیارد دلار کسر بودجه "فوق العاده ای" که دولت آمریکا کوشش خود را به پنهان نگه داشتن آن نهاده است، ملحوظ نیست. بودجه ایالات متحده آمریکا برای سال آینده، بهیچ روی حلال مشکلات عظیم اقتصادی آن کشور نخواهد بود.

نرخ تورم آن کشور در سال گذشته به ۱۲/۲ در صد رسید و بنظر نمیرسد که این رقم در سال کنونی کاهش یابد. نرخ بیکاری، که اکنون رسماً ۶ درصد اعلام میشود، به عقیده کارشناسان، تا آخر سال به ۷/۵ در صد خواهد رسید. فرآورده اجتماعی، به قیمت های ۱۳۵۱، یک در صد کاهش خواهد یافت.

بودجه اجتماعی سال آینده، ۲۲۰ میلیارد دلار در نظر گرفته شده، که افزایش آن تقریباً برابر با نرخ تورم است. بودجه تسلیماتی ۱۴۶/۲ میلیارد دلار، یعنی ۳/۳ در صد بیشتر از رقم مشابه کنونی است. هزینه های پژوهشی، با وجود عقب افتادن آمریکا از ژاپن و جمهوری فدرال آلمان از نظر توسعه تکنولوژی، در سال آینده کاهش خواهد یافت.

از هر دلاری که دولت آمریکا خرج میکند، ۲۲ سنت آن بصورت تسلیماتی میرسد. در این میان کنگره خواسته است که بودجه نظامی به ۱۶۰ میلیارد دلار از دیباها پیداکند. علاوه بر این، تا سال ۱۳۶۴، ۱۰۰ میلیارد دلار بجهت نظامیان ریخته خواهد شد. بدین ترتیب میانگین رشد هزینه های تسلیماتی تا ۱۳۶۴، ۴ در صد، یعنی یک در صد بیشتر از رقمی خواهد بود که "نا تو" سه سال پیش تمهین کرد.

امپریالیسم را خواند، چه در این صورت این کشورها میتوانند طوق امپریالیسم را حتی فقط با سلاح نفت بدرند. به همین دلیل نیز امپریالیسم و بارانش می کوشند که چنین جبهه های تشکیل نشود بهترین راه نیل به این هدف نوم نیز دمیدن در شیور ضد شوروی و ضد کمونیستی از موضع "اسلام" امریکایی است.

اگر امپریالیسم و بارانش موفق شوند روابط کشورهای "دنیای سوم" با جهان سوسیالیسم را برهم زنند، قسمت اعظم کار را انجام داده اند، زیرا در اینصورت، مصر ناصر به سادگی به مصر سادات تبدیل می شود.



زاغه‌نشینهای خزانه بخارانی زندگی، که در کورهای متروک آجر پزی، میگدازد

● زحمتکشان که ستون فقرات انقلاب هستند، از ابتدایی‌ترین زندگی انسانی بی بهره‌اند.

● زاغه‌نشینهای خیابان خزانه بخارانی با فقر و محرومیت دست و پنجه نرم میکنند.

هوای خفقان آور داخل آلونک غیر قابل تنفس است. در گوشه‌ای پسر بچه‌ای خردسال، بالباسی - های ژولیده و مزاحمت مگسها و پشه‌ها به گریه افتاده است. در گوشه‌ای دیگر، مادر در حالی که بچه شیر خوارش را در آغوش گرفته است، با نگاهی پریشان‌آمیز ما را برانداز می‌کند. در نگاهش، همانند نگاه دیگر اهالی محل، یک سؤال را می‌پاییم: "مگر نه اینکه انقلاب از آن کوخ نشینهاست؟"

در قسمت شرقی انتهای خیابان خزانه، بخارانی، کوره‌های متروک آجر پزی و زاغه‌های شایسته نام خانسه هزاران کارگر را سر خود دارند، چون لکه‌های چرکین بر آئینه انقلاب نقش بسته‌اند. این محلات فقر، که زحمتکشان ما را از خود بلبله‌اند، نمایانده رنجی است که به نشان بیداد رژیم گذشته، به یادگار مانده است. این محله فقر، در بیابان خشکی همانند با تلاق، عرض اندام کرده است. فاضل آب شهر، با بوی متممکنش که در وسط بیابان قرار دارد، همراه با مگسها و پشه‌ها، که از بوی فاضلاب جان میگیرند، اهالی محل را کلافه کرده است.

این محل از ۶۶ خانواده تشکیل شده است. این اهالی، که اکثرا از بهرچند و روستاهای اطراف آن به اینجا نقل مکان کرده‌اند، در کوره‌های متروک و تاریکی زندگی میکنند، که زمانی مکان آجر پزی بود.

وارد محل که مشویم غباری از فقر و محرومیت را مشاهده می‌کنیم. خانه‌های گلی، با دیوارهایی که از کاهگل و گلی درست شده است، بسا درهای پارچه‌ای و سقفهای نایلونی، فریادی است از فقر و نداری. برای اینکه بیشتر با درد و رنج اهالی این محل آشنا شویم، محمد علی جعفری کارگر شهرداری، ما را به آلتونکش می‌برد. در داخل آلونک با هوای دم کرده‌ای روبرو میشویم. در گوشه‌ای از آلونک بچه‌ای خوابیده است. تمام مورت دستها و پاهای کودک پر از مگس است. تاریکی داخل آلونک مانع دید کامل میشود. در همین هنگام محمد رو به ما می‌کند و می‌گوید:

"روزها از دست مگس و شبا هم از دست پشه‌ها نمی‌توانیم راحت باشیم. تا بحال چندین نفر از اهالی این محل به بیماری وبا دچار شده‌اند. هر تابستان ما باید شاهد چند نمونه از آن باشیم. هیچگونه وسایل رفاهی نداریم. حتی یک حمام هم این حوالی نیست. بچه‌های محل برای مدرسه رفتن باید ۲ کیلومتری راه بروند و این مسیر خصوصا در زمستانها بیشتر به با تعلق شبیه است تا به جاده. برای خریدن چیزی‌ترین ما بحتیاج روزانه هم باید اینراه را برویم."

از آلونک که بیرون می‌آشیم، بچه‌های محل دور و برمان حلقه میزنند در نگاههای مغموشان گرسنگی را مشاهده می‌کنیم. یکی از اهالی محل در مورد وضع آب و برق میگوید:

"قبل از انقلاب آب و برق نداشتیم. این اواخر توانستیم دو شیر آب لوله کشی برای محل درست کنیم، که تمام اهالی از این دوشیر استفاده می‌کنند. برق را هم از فاصله ۵۰۰ متری به کمک اهالی کشیدیم."

در این هنگام پسر بچه‌ای لنگان لنگان بطرفمان می‌آید. امین علی معذور است. دانش آموز کلاس اول راهنمایی است. با وجود پای معیوبش از شرایط سخت مدرسه رفتن کودکان دیگر مستثنی نیست. میگوید:

"دو سال است که با خانواده‌ام از بهرچند به اینجا آمده‌ام. پدرم کارگر بود، ولی در اثر تصادف سلامتش را از دست داد و به همین دلیل از کار بیکار شد هیچ در آمدی نداریم و تنها با کمک اهالی محل زندگی می‌کنیم. در جواب اینکه: کجا بازی می -

کارگران ایران و دفاع از انقلاب:

چندی پیش برای نخستین بار بدعوت انجمن های اسلامی کارخانجات مازندران، در محوطه کارخانه شماره ۳ نساجی قائم شهر برای کارگران سخنرانی شد.

سخنران این مراسم آقای آل اسحق بود. ایشان طی سخنان خود بیش از هر چیز به مساله اتحاد نیروها تکیه کرد و از جمله گفت: "ما با کسانی که افکار سوسیالیستی دارند، و با دوستان سوسیالیست، باید دست اتحاد بهم بدهیم و در مقابل دشمن مشترک با هم باشیم. ما که با هم به زندان رفتیم، با هم شکنجه شدیم، با هم به مقابله توپ و تانک رفتیم، اکنون چرا نتوانیم با هم برادرانه زندگی کنیم؟"

درباره مسائل از این دست، نیروهای راستین انقلابی دارای نظر کامل روشن و مشخصی هستند. اکنون که انقلاب بزرگ ما با پشت سر گذاشتن آزمون‌های سهمگین و مقابله با توطئه‌های کودتایی عوامل امپریالیسم به استقبال دشواری های تازه تری می‌رود، باید از پشت جبهه‌های هر چه فعال تر، آگاه تر و متشکل تر برخوردار باشد.

کارگران ایران باید از این دیدگاه و محکم ترین نیروی خلق ما هستند که هم در صف مقدم جبهه مبارزه ضد امپریالیستی و هم در برابر دشواری های داخلی و به عبارت دیگر در زمینه تقویت و تحکیم پست جبهه این مبارزه دشوار حضور فعال دارند.

کارگران ما باید چون تنی واحد یک صف و یک صدا و بقول امام خمینی با "وحدت کلمه" در مقام دفاع از انقلاب قرار گیرند. چنانکه تاکنون نیز چنین بوده‌اند. سخن بر سر آینده است. آینده‌ای که از جمله برای طبقه کارگر ایران سرشار از نوید پیروزی و بهروزی است. برای هرس کردن باغ آینده و در راه شکوفایی غنچه‌های سعادت و استقلال، زمستان‌های سختی در پیش داریم. و ناچار باید دست در دست هم گذاریم و با پیروزی را در فرجای میهن بزمین نهم. بدیهی است در این راه محکم و مگلا، شیع و سنی، کرد و آذربایجانی و فارس و ... نیروهای چپ راستین و مبارزین انقلابی مسلمان همه در یک سنگر و در برابر یک دشمن ایستاده‌اند. آری دشمن مشترک است. جبهه یکی است و نبرد، نبرد واحدی است. اگر کسی در برابر این منطبق زلال و عینی آگاهانه یا نا آگاهانه سرلج در پیش گیرد، بی گمان خدمتی به پیروزی انقلاب، به کسب استقلال و به نوسازی و سالم سازی اجتماع

کنند، می‌گوید: "توی همین خاکها، کنار اون لجنها، با دست فاضلاب شهر را نشان میدهند با حالتی افسرده می‌گویند: "تا بحال داخل شهر تهران را ندیده‌ام. دلم میخواهد یکبار به سینما بروم و در پارکها گردش کنم."

این تنها خواست علی نیست، بلکه آرزوی تمام جوانان و کودکان این محلات است. از داخل یکی از زاغه‌ها، که سقف کوتاهی دارد و برای گذشتن از در آن باید خم شد، جوانی بی سر و رو می‌آید. خودش را محمد برقی معرفی میکند. ۲۴ سال دارد. ۴ ماه است که ازدواج کرده است. قبلا در بهرچند در یک شرکت خارجی کار می‌کرده ولی به علت تعطیلی شرکت مجبور شده است به تهران بیاید. ۶ سال است که در این کوره زندگی می‌کند. این او خرمراه ده نفر دیگر از ساکنان این کوره، در یک کارخانه، بلور سازی کار می‌کرده، ولی به علت تعطیلی کارخانه به همراه تمامی کارگران کارخانه بیکار شده است. می‌گوید:

روزها تمام تهران را برای پیدا کردن کار زیر پا میگذازم. از بیکاری و نداری حس می‌کنم. ۴۰ سال بهر شده‌ام. بیکاری، گران و نگاههای همسرم مرا از داخل خالی میکند."

همراه کارگر دیگری، که محمد نام دارد، داخل آلونکشان میرویم. دیوارهای خانه را با قوطی های گلی ساخته است. می‌گوید: "سقف اتاق دوبار روی بچه‌ها پیم خراب شده، ولی خوشبختانه آسیب زیادی ندیده‌است. سقف اتاق را بنا چوب و هر چیز دیگری که در دسترس داشتیم، پوشانده‌ام."

در ادامه صحبت، با انصوده می‌گوید: "بگویند که به فکر ما هم باشند. آخر ما هم انسانیم، فرزندان ما هم فرزندان این سرزمین اند."

از آلونک بیرون می‌آشیم. در پس دیوارهای کاهگلی بد شکل و در میان درگاها، چشمان همسران و فرزندان این زحمتکشان محروم در انتظار بیک پر بار انقلاب است. نگاهها پشان همگی پرشگربیک سؤال است: "مگر نه اینکه انقلاب از آن کوخ نشینهاست؟"

جبهه واحد مبارزه علیه امپریالیسم را با تأمین اتحاد همه نیروها و با تقویت وحدت طبقه کارگر تعمیم بخشیم

چگونه می‌توان پاس داشت و آن را در سمت دفاع بی‌امان از انقلاب و تمسک و گسترش آن هدایت کرد؟

تجربه انقلاب ما، هم چنانکه تجربه دیگر انقلابها بخوبی نشان داده است که تقویت مبانی شکل صنفی کارگران، یعنی قوام‌سندیکاها و انجمنهای کارگری آن اهم مطمئنی است که دم هیچ موربانه و زهره‌هیج سم‌کاری، بر آن کارگر نیست. کارگر متشکل همه چیز کارگر متفوق هیچ چیز.

در این میان وظیفه همه نیروهای انقلابی ایجاد و تقویت این انجمنهای صنفی و همکاری فعال با آنها و جلوگیری از ضرباتی است که تفرقه افکنان، کومنتران، چپ‌نمایان، انحصار طلبان و راستگرایان در صدد فروکوفتن آنها بر پیکر سازمان‌های کارگری هستند. وظیفه مقامات مسئول و بویژه دولت آینده انقلاب، نیز در این میان خطیر و سنگین است دولت باید در این زمینه، اصول مصرح قانون اساسی - و از جمله اصل آزادی و قانونیت فعالیت سندیکاها و مجامع کارگری - را با قدرت و بی‌وقفه نگهبانی و اجرا کند. دولت باید با کمک مجلس، کار تدارک، تصحیح و تنقیح و تصویب قانون کار انقلابی را که بسیار جدی و فوری است به انجام رساند و بی‌درنگ در مقام اجرای آن برآید. درنگ - ولو اندک - در این کار به هیچ رو جایز نیست، چرا که در راستای منافع انقلاب و مصالح طبقه کارگر قرار می‌گیرد. اما پیش از همه، بسیج آگاهانه طبقه کارگر در راه مقابله موثر با امپریالیسم مستلزم یک رشته اقداماتی است که نمونه سخنرانی مذکور گوشه‌ای از آن است.

این سخنرانی هک که باید منظم و فراگیر و نیز در راستای اتحاد همه نیروها بر علیه امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی باشد - از اهمیت کمی برخوردار نیستند. نیروهای مسئول انقلابی و بویژه مجامع صنفی کارگری باید بطور گسترده زمینه‌های هر چه بیشتری را برای این کار تدارک ببینند. انشای دقیق توطئه‌های

ناخرجام آمریکا (در طیس) و ضد انقلابیون داخلی (توطئه کودتای ۱۸ تیر) و بررسی زمینه‌های آن و نیز از این رهگذر شناختن دوستان و دشمنان انقلاب، آشنائی با عمق خطر ضدانقلاب و نحوه روبرویی موثر با آن می‌تواند نه تنها از طریق سخنرانی‌ها بلکه از طریق دایر کردن نمایشگاهها، اجرای نمایشها و نمایش فیلم‌های آموزنده دنبال شود.

نقش کارگران ما در دفاع از آینده انقلاب بسیار عظیم و در عین حال همراه با دشواری‌های نفس‌گیری است. در راه اجرای این برنامه وحدت صنفی و سیاسی طبقه کارگر یک شرط دلخواه بلکه یک ضرورت تام و تمام است.

در همه این روندها طبقه کارگر در تمام اتحاد و افراد خود مستقل از اختلاف اندیشه‌ها و سلیقه‌ها متحد عمل می‌کند و کرد و مسلما در آینده نیز از این سلاح اتحاد با آبدیگی هر چه بیشتر و صیقل یافته‌تر سود خواهد جست.

این است منطق انقلاب ایران و البته منطق طبقه کارگر. طبقه کارگر ایران نیز برای آزادی راهی جز شرکت هر چه فعال تر در مبارزه هم خلق برای نابودی امپریالیسم در کشور ما ندارد. بنابراین این هرگونه بهانه ای برای جدا کردن صف واحد طبقه کارگر چه از درون بنام حیدری و نعمتی و چه از بیرون بعنوان این که گویا طبقه کارگر منافعی جز منافع دیگر اقشار مردم دارد، کمکی به پیشبرد امر خطر انقلاب و مبارزه ضد امپریالیستی نخواهد کرد.

حال سخن بر سر این است که این اتحاد را

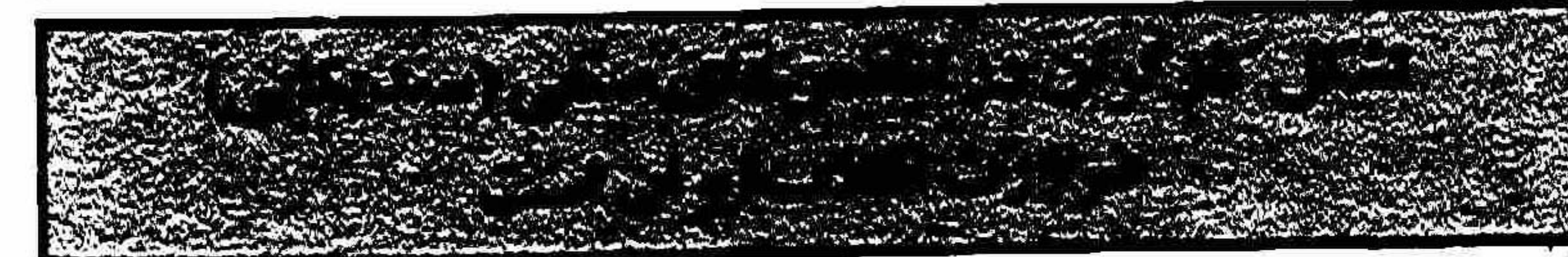
حزب کمونیست ترکیه: ترکیه بسوی رژیم شبه نظامی کشانده میشود

ماههاست که رسانه‌های گروهی جهان و ایران از اقدامات مداوم "تورویستی" در ترکیه خبر میدهند. روزی نمی‌گذرد که دهها تن از مردم ترکیه در جریان این عملیات و دیگرتشجعات و درگیریهای سیاسی جان خود را از دست ندهند و با مصدوم نشوند. موج "تورویسم" تنها یکی از مظاهر بحران همه جانبه و عمیقی است، که کشور ترکیه مدتهاست با آن روبروست.

در گستره اقتصادی، بیکاری و تورم در ترکیه بهداد می‌کند. در حدود ۲۰ درصد زحمتکشان ترکیه، یعنی نزدیک به سه میلیون ترک بیکارند. در فاصله بهمن ۱۳۵۸ و بهمن ۱۳۵۹، قیمتها در آن کشور ۲۴۳ درصد افزایش یافت. طبق گزارشی، تنها در منطقه آنکارا نرخ تورم در سال گذشته حداقل صد درصد بوده است.

پاهای فلاکت اقتصادی، گرایش به راست هر چه بیشتر در صحنه سیاسی ترکیه تقویت می‌یابد. در نه ماه گذشته بیش از دوهزار نفر قربانی جنابات سیاسی شده‌اند. باندهای فاشیستی نیروها و عناصر دمکراتیک و مترقی را آماج تهاجمات وحشیانه و خونین خویش قرار داده‌اند. در ۲۰ استان، از مجموع ۶۷ استان ترکیه، حکومت نظامی اعلام شده است.

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است



دهقانان! اتحادیه‌های دهقانی خود را تشکیل دهید!

مسائل دهقانی

وراه حل‌ها را ارائه نماید. از طرف دیگر اتحادیه دهقانان باید مسائل و مشکلات و خواسته‌های روستای خود را جمع‌آوری کند و به روزنامه‌ها و مجلات برساند، تانستر شود و از این راه تجربیات خود و راه‌های حق-طلبی و چگونگی کمک نهادهای انقلابی و حل شدن یا نشدن مشکلات خود را با اطلاع سایرین برساند.

پس توجه کنید: امور مربوط به نثریات دو جنبه دارد: یکی پندگرفتن از تجربه سایرین و آشناندن با مسائل و بیان خواسته‌ها، ودومی پنددادن به سایرین و راهنمایی کردن از روی تجربیات بدست آمده و چگونگی دادخواهی و طلب کردن حق.

۳- امور مربوط به مطالبات - اتحادیه‌های دهقانی محل اجتماع و تشکل کلیه دهقانانی است که میل دارند با هم متحد شوند و می‌دانند که باید از هدفهای انقلاب جانبداری کنند، طرفدار تحکیم جمهوری اسلامی ایران و احیای کشاورزی و بهبود وضع روستاها هستند. این دهقانان حاضر میشوند که داوطلبانه در اتحادیه متشکل شوند و در این زمینه مبارزه و فعالیت کنند. پس اتحادیه باید از دهقانان تقاضای گرفته تا دهقانان خرده یا میان‌حال، وهم چنین دهقانان مرفه، که طرفدار انقلاب هستند و با نظام اربابی و حکومت امپریالیستها و طاغوت مخالفت، دفاع کند.

بنابراین مطالبات میتواند هم در زمینه تولید و بهبود وضع اقتصادی باشد، هم درباره سرکوب ضدانقلاب و جلوگیری از توطئه‌های عمال امپریالیسم هم درباره زمین و آب و کوتاه کردن دست بزرگ مالکان و واسطه‌ها و سلف خرها باشد، هم برای بهسازی روستاها، هم درباره امور آموزشی و بهداشت و مسکن باشد، هم درباره مایحتاج و مواد مورد نیاز دهقانان. در همه این موارد، اتحادیه دهقانان باید خواسته‌های مشخص دهقانان ده یا منطقه مربوطه را تنظیم کند و دهقانان را برای اجرای آنها بسیج و متشکل نماید.

باید توجه داشت که اتحادیه حزب و گروه سیاسی نیست. پس در آن همه افراد، صرف نظر از عقیده و مسلک سیاسی و مذهبی خود می‌توانند شرکت کنند. اتحادیه، شورای دهم نیست. اولاً بدان جهت که نه همه افراد، بلکه فقط دهقانان داوطلب در آن مشارکت دارند، و ثانیاً بدان جهت که اتحادیه یک نهاد اجرایی و دولتی نیست. منتهی اتحادیه دهقانان باید در هر جا با شورای ده همکاری کند و از آن بطلبد که در حدود امکانات و اختیاراتی که دارد، خواسته‌ها را برآورده سازد و مشکلات را حل کند.

اتحادیه خود قوه اجرائیه و اختیار اداری ندارد و قدرت آن تنها در اتحادیه‌هاست و حق طلبی آنهاست. با تکیه به این قدرت و با استفاده از کمک نهادهای انقلابی است که اتحادیه میتواند از ادارات و مسئولان دولتی بخواهد که به مشکلات رسیدگی کنند و منافع دهقانان را به هنگام اخذ تصمیمات در نظر بگیرند.

اتحادیه برای رسیدن به هدفهای خود باید و میتواند به پاسداران انقلابی و اعضای فداکار جهاد سازندگی و حکام شرع متعهد و دیگر روحانیون مبارز و مومن به انقلاب تکیه کند و همکاری آنها را برای بیان و تحقق خواسته‌ها و مطالبات جلب کند.

اتحادیه با مراجعه به ادارات مسئول دولتی، مانند وزارت کشاورزی و بانک کشاورزی و وزارت راه و وزارت نیرو و سازمان برنامه و غیره، باید خواسته‌ها را مطرح و جدا دنبال کند و از دهقانان بخواهد که دنبال این خواسته‌ها را بگیرند و همیشه یاور اتحادیه خودشان باشند.

مطالبات دهقانان هر استان و هر شهرستان متفاوت است و هر اتحادیه‌ای باید مطالبات خاص ناحیه خود را دنبال کند. با اینهمه مهم‌ترین مطالباتی که در همه جای اغلب جاها وجود دارد و همه باید به آنها توجه کنند، عبارتند از:

- ۱- واگذاری زمین به فوریت و با شرکت خود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین انجام گیرد و غده چرکین و قاسد بزرگ مالکی برای همیشه از روستا برچیده شود تا صفا و شکوفائی به ده راه یابد.
- ۲- با تشکیل تعاونی‌های تولید بر روی مالکیت‌های مشاع، که از مصادره زمینهای بزرگ مالکان و سایر اراضی ناشی می‌شود، پایه تولید فراوان و محصول کافی، که درد کشور و خود

برای حفظ و گسترش و شکوفائی انقلاب ایران، برای پاسداری از دستاوردهای آن و جلوگیری از توطئه‌های ضدانقلاب و به منظور اجرای اصلاحات ارضی واقعی، که بمسود شما باشد و ریشه بزرگ مالکی فاسد را برکند، و برای تحقق خواسته‌های حق طلبانه شما دهقانان زحمتکش، ضرورت دارد که اتحادیه دهقانان را در ده خود، یا چند ده نزدیک بهم، تشکیل دهید. دورهم جمع شوید و تصمیم بایجاد اتحادیه دهقانان بگیرید. اگر کمیته دهقانان کم‌زمین بی‌زمین دارید، که وظیفه اصلی اش کمک به اجرای اصلاحات ارضی بود، پس از خاتمه وظایفش، آنرا تبدیل به هسته اتحادیه دهقانی کنید و همه دهقانان رابه شرکت در اتحادیه دعوت نمائید.

برای این منظور، اگر بخواهید به کارهایتان سرورسورت منظمی بدهید، لازمست به سه نکته زیر جدا توجه کنید:

- ۱- امور مربوط به تشکیلات،
- ۲- امور مربوط به نثریات،
- ۳- امور مربوط به مطالبات،

۱- امور تشکیلاتی - برای آنکه امور اتحادیه دهقانی شما سر بگردد، باید ترتیب کار را بدهید و هر چه زودتر در مسجد، مدرسه، امامزاده، کنارجوی صحرا، احتیاطاً کتابخانه، قهوه‌خانه، یا هر جای مناسب و معمولی دیگری و یا مثلا اگر یکی از ریش سفیدان و افراد مورد احترام و اعتماد شما دعوت کرد که به خانهای بروید، دورهم جمع شوید و هسته اولیه اتحادیه را تشکیل بدهید. لازمست چند نفر از میان خود برای ترتیب کارها و یک نفر را به عنوان مسئول انتخاب کنید. این افراد را باید از بین ریش سفیدان، یا از میان کارآمدترین دهقانان، یا از میان دهقانان معال و انقلابی جوان انتخاب کنید. در یک کلام، باید آنها مورد اعتماد شما باشند و از حقوق شما دفاع کنند. این افراد متکی به تصمیم شما هستند و حرفشان فقط وقتی در رو دارد، که شما متحد باشید و از آنها حمایت کنید. آنها باید برای تشکیل اتحادیه از همه دهقانان دعوت کنند و در یک یا چند ده نزدیک به هم، به تشکیل آن بپردازند. آنها باید برای همه توضیح دهند که اتحاد و همبستگی چقدر لازم است، و فعالیت همگی برای پیشبرد خواسته‌ها، و به کرسی نشاندن حرف حق خود چقدر واجب است، و چرا لازمست که همه از جمهوری اسلامی ایران دفاع کنند و انقلاب را مستحکم نمایند، و چرا بهبود وضع کشاورزی و وضع زندگی خود روستائیان ضرورت دارد. این افراد و هسته اتحادیه‌ای که تشکیل می‌شود، باید با اعضای خدمتگزار جهاد سازندگی و عناصر صدیق سپاه پاسداران، با مسئولان متعهد دادگاههای انقلاب و حتما با شورای ده، که آنها هم هیئت انتخابی و اجرایی و رسمی است، تماس بگیرند، از همه آنها کمک بگیرند و به آنها کمک کنند، تا تصمیمات مثبت و انقلابی درباره دهقانان اتخاذ شود و حمایت آنها نسبت به دهقانان جلب گردد.

این افراد و اتحادیه‌ای که تشکیل می‌شود، باید خواسته‌ها و مطالبات دهقانان بی‌زمین و کم زمین در مورد زمین و مالکیت و خواسته‌های عمومی اهالی روستا در مورد تولید و امور مربوط به ده را تنظیم کنند و از نهادهای انقلابی و ادارات مسئول دولتی بخواهند که آنها را مورد مطالعه قرار دهند و به نفع دهقانان اجرا کنند.

پس توجه کنید: کار تشکیلاتی اتحادیه دهقانان باید همراه با فعالیت برای مطالبات دهقانان پیش رود، تا محکم باشد و بتواند دهقانان را گرد آورد و متشکل سازد.

باز هم توجه کنید: همه کارها باید با نظر و عقیده خود دهقانان و با جلب همکاری و مشارکت روستائینی که حاضر بشود در اتحادیه هستند، انجام شود. همه کارها باید با اطلاع جمع دهقانان برسد و زیر نظر آنها انجام شود.

۳- امور مربوط به نثریات - لازمست هر چه زودتر افرادی را از میان دهقانان باسواد یا باسوادهای علاقمند را موظف کرد که روزنامه‌ها و نثریات و نوارهای مربوط به مسائل و خواسته‌ها و مبارزات دهقانان و اخبار مربوط به امور دهقانی و روستائی را جمع‌آوری کنند و هر قدر می‌توانند به صورت وسیع بین دهقانان تکثیر و پخش نمایند. هرچائی که هنوز بی‌سوادها زیاد هستند، یک نفر از دهقان زادگان باسواد مامور شود تا مطالب آنها را بخواند و تشریح کند. در این باره میتوان از نثریاتی که خواسته‌ها و مشکلات دهقانان را منتشر می‌کنند، سود جست. "نامه مردم" می‌کوشد به نوبه خود این مسائل و خواسته‌ها را منعکس کند

قانون اصلاحات ارضی باید در جهت ریشه کن ساختن بزرگ مالکی و دادن زمین به کلیه دهقانان بی‌زمین و کم زمین، هر چه سریعتر و قاطعتر اجرا شود



بچه‌ها به پدرشان در کار کشاورزی کمک می‌کنند. (روستای قیدار غلو)

قیدار غلو در انتظار بهروزی

روستای قیدار غلو، در پنج کیلومتری جنوب بخش زرگان (جاده شیراز - مرودشت) واقع است. این روستا دارای دو قسمت سفلا و علیا است، که در کوهپایه‌ها قرار گرفته است.

۱۰۰۰ (هزار) خانوار روستا، که از زحمتکاران سکونت داده شده هستند، از حداقل امکانات

دهقانان را دوا کند، گذاشته شود.

۳- با تشکیل تعاونی‌های خرید و فروش و مصرف، دست سلف‌خواران از ده کوتاه شود. موسسات دولتی و تعاونی‌های شهری محصولات زراعی و دامی راستقیبا از تعاونی‌های فروش دهقانی بخرند. دهقانان نیز کالاهای مورد نیاز خود را به جهت تولیدی و چه مصرفی توسط تعاونی‌های خرید دهقانی خریداری کنند. دست واسطه‌ها و رباخواران باید کوتاه گردد.

۴- قیمت محصولات کشاورزی بخصوص گندم و سایر غلات و اقلام اصلی محصول زراعی را عادلانه تعیین و تثبیت کنند و خرید آنرا تضمین نمایند. دست سلف‌خواران باید کوتاه شود.

۵- مسئله آبیاری، نهرکشی، لارویی قنات، حفرچاه، سدبندی، سهمیه بندی و غیره بسیار مهم و حیاتی است و توجه لازم به آن باید مبذول شود.

۶- مسئله حیاتی دیگر جاده و راههای روستائی است، که باید به فوریت به آن توجه شود و طبق برنامه معین این مسئله، که دارای اهمیت اقتصادی و اجتماعی است، حل شود.

۷- خواسته شود که در هر گروه از روستاهای مجاور هم، مراکز خدمات کشاورزی، طبق طرح موجود دولتی و با تجهیز کامل فنی، تاسیس شود و مشکلات تولیدی را در محل حل نماید.

۸- به وام و اعتبار روستائی، که باید اکتفا به طور جنسی و تولیدی داده شود و در تولید موثر باشد، توجه گردد، قسمت اعظم وام باید به تعاونی‌ها و گروه دهقانان در "مشاع" و به شورای ده داده شود.

۹- توجه به مسائل دامداری و بهداشت دام و دامپروری و اعطای کمک‌های لازم برای تقویت دام داری‌های کوچک و متوسط.

۱۰- کوشش برای حل امور مربوط به بهداشت، از جمله ساختن درمانگاه دائمی یا سایر در روستاها، تربیت بهداشتی و پیشگیری بیماری‌ها.

۱۱- اقدام به احداث حمام و مدرسه و غسل‌خانه و مسجد و کتابخانه و سایر موسسات مورد نیاز دهقانان.

دهقانان عزیز! فراموش نکنید که بدون مبارزه فعال و بی‌گیر و متشکل در اتحادیه‌ها و تقاضاها و مراجعات دائمی و مکرر به نهادهای انقلابی و جلب همکاری و کمک آنها، حفظ دستاوردهای انقلابی و بدست آوردن موفقیت‌های تازه‌تر و داشتن موسسات مربوطه دولتی به اجرای خواسته‌های حق و رفع مشکلات ممکن نیست.

اتحادیه دهقانان را در ده خود تشکیل دهید و در راه پیروزی‌های تازه انقلاب ما و تحکیم بنیاد های جمهوری اسلامی ایران و دستیابی به خواسته‌های حق خود مبارزه کنید.

رفاه محرومند. زمینهای موجود در این روستا بدون سند رسمی در مالکیت دهقانان خرده مالک است.

۲۵ خانوار از خوش نشینان روستا در کارخانه‌های اطراف جاده شیراز - مرودشت کار می‌کنند. و این در حالی است که در نزدیکی روستا زمینهای وسیعی وجود دارد، که در دست مالکان بزرگ است. دهقانان این روستا با مشکلات زیادی روبرو هستند، بطوریکه در بعضی مواقع زندگی آنان به نابودی تهدید می‌شود. بهتراست از زبان خود دهقانان زحمتکش بشنویم:

"چند سال قبل با آمدن سیل، اراضی زراعتی از بین رفت. بیشتر چاههای ما خراب شده و چون وضع مالی ما خوب نیست، نمی‌توانیم آنها را درست کنیم. به همین جهت مجبوریم زمینها را دیم می‌کشیم، که البته در آمد و محصول خوبی نداریم.

درباره وضع محصول امسال می‌گویند: "زمستان امسال با زان زیسادی بارید، ولی در بهار باران کم بارید، که متأسفانه محصول خوبی به عمل نیا آمده است."

برای رفع مشکلات مالی چندین باره بانک‌ها و کسب و کاری مراجعه کرده‌اند، ولی:

"... به ما وام نمی‌دهند. می‌گویند سند رسمی باید داشته باشید." مدتی پس از آنکه محصول گندم و جو آماده برداشت بود، دهقانان موفق به اجاره کمباین نشدند. یکی از روستائیان در این باره می‌گوید:

"امسال اجاره آن خیلی گران شده هرکتا سه تا چهار تومن می‌گیرند. وادامه می‌دهد:

"اجاره تراکتور هم گرانتر از سال قبل است و همین طور قیمت بذر و کود. املاهمه چیز گران شده، ولی قیمت گندم نسبت به سال پیش چندان گران نشده."

سرما به داران و واسطه‌ها خودسرانه کرایه ماشین آلات کشاورزی را گران می‌کنند، و بدینسان قسمتی از دسترنج کشاورزان زحمتکش را غارت می‌کنند.

بخش مهمی از درآمد این روستائیان از دامپروری می‌شود. نوکساران امپریالیسم برای نابودی دامپروری و وابسته کردن کشور ما به انحصارات امپریالیستی چراگاههای اطراف را محدود منابع طبیعی اعلام و از ورود دام به این مناطق جلوگیری می‌کنند. ولی با پیروزی انقلاب این سدمت‌نویسی برداشته شده و دامپروری در منطقه رونق یافته است.

در این روستا برق وجود ندارد. در حالی که در ۳ کیلومتری آن، زرگان، برق هست و با هزینه کم می‌توان به این روستا برق کشید.

این روستا فاقد درمانگاه است و بیماران به درمانگاه زرگان مراجعه می‌کنند. بیشتر مواضع به علت کمبود امکانات پزشکی در زرگان روستائیان مجبورند به شیراز بروند.

مهمترین نگرانی روستائیان (بجز مسئله زمین و آب) کمبود گرانی کالاهای ضروری (روغن، برنج، سیگار و...)

است.

برای جلوگیری از کوچ روستائیان به شهر و بر آوردن خواسته‌های آنان:

- زمینهای وسیعی در نزدیکی روستا است، که با ایجاد اجرای اطلاعات ارضی بنیادی از مالکان بزرگ خلع بگذرد و کلیه زمینها را به دهقانان بی‌زمین و کم زمین واگذار کرد.

- به روستائیان از طریق بانک تسهیلات کشاورزی و دامپروری، که با ایجاد شرکت‌های تعاونی مصرف روستائی از افزایش سرمایه و ور قیمت‌ها جلوگیری کرد و با ایجاد تعاونی تولید بر روی مالکیت‌های مشاع، از ریشه‌کنسار تولید را نجات داد.

ایجا دامکانات رفاهی در روستا به کمک نهادهای انقلابی.

با اجرای موارد فوق، از یک سو مالکان بزرگ، که سر براه انقلاب هستند، دستشان کوتاه خواهد شد و سرمایه‌ها را و واسطه‌ها که وحشیانه زحمتکش را استثمار می‌کنند دیگر نخواهند توانست زور بگویند. از سوی دیگر با رکنش زندگی از دوش روستائیان برداشته خواهد شد و آنها به ماندن در ده تشویق و امیدوار خواهند شد و جلوی مهاجرت روستائی گرفته خواهد شد.

انقلاب فدا مهربان لیستی و خلقی میهن ما با یدومی تواند این اقدامات را انجام دهد، تا روستائیان در شهرها سرگردان نشوند، و هر روز با فقر و تنگنات دست به گریبان نباشند.

از این طریق، هم از جمعیت غیر فعال شهری کاسته می‌شود و هم به رشد تولیدات کشاورزی برای رسیدن به مرز خودکفایی مقدور و ضرورت کم خواهد شد.

دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین! با تشکیل کمیته‌های خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد دلسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید تا قانون اصلاحات ارضی سر به سر و سود شما اجرا شود

پایه از صفحه ۱

جامعه ایران در طول دو قرن گذشته، یعنی از موفقیه ایران یا تسلط استعمار امپریالیسم و رشد سرمایه داری وابسته مواجه گردیده، تشکیل می دهد، خواستهای اقتصادی - اجتماعی چنین انقلابی طبیعتاً کاملاً مشخص و روشن است و آن اینکه، باید به دوران ننگین تسلط استعمار و امپریالیسم پس ایران خاتمه داده شود، بساط اقتصادی اجتماعی که موجبات تسلط خارجی و استثمارگران وابسته به آن را در ایران فراهم آورده از میان ببرد و جامعه ای مستقل، شکوفه مترقی و مرفه بجای آن ساخته و برپا گردد. پیروزی قطعی و نهائی انقلاب در گرو برآوردن این خواستها، یعنی عدم ترین اهداف انقلاب است.

خواستهای اقتصادی - اجتماعی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران مسائل تجربی، عام و یا با محتوای مبهم و نامشخص نیست، که مثلاً بتوان با ارائه برنامه های صوری، چنانکه مرسوم کابینه های زمان طاغوت در این کشور بوده، آنها را حل شده تلقی کرد. انقلاب عظیم مردم ایران خواستهای اقتصادی اجتماعی، با محتوای مشخص و معلوم ضد امپریالیستی، خلقی، توده ای و طبقاتی دارد. فقط در صورتی که برنامه دولت یا چنین برخوردی به وظایف اقتصادی - اجتماعی انقلاب طرح و تنظیم شود، میتوان به نیل به هدفهای انقلاب و تحکیم استواری آن امیدواری حاصل کرد. این نکته ای است که در همین ابتدا ذکر آن در مورد تنظیم برنامه کابینه جدید ضرورت پیدا می کند، تا از هدر رفتن وقت گرانبایی که استفاده از هر لحظه آن برای موفقیت در کارهای تدارک جلودگری بعمل آید.

نامه مردمی از همان روز پس از پیروزی انقلاب، خواستهای اساسی آنرا بر شمرده است. در اسناد متعدد کمیته مرکزی حزب توده ایران در این زمینه چه در مورد عمده ترین مسائل و چه حتی حل جزء جزء مسائل اقتصادی - اجتماعی دوران پس از انقلاب بطور مشخص همه یادآورهای ضرورت انجام گرفته است. جادار که تنظیم کنندگان برنامه دولت جدید، پیوسته شخصی آقی رجعتی پیشنهادی حزب توده ایران راه که از مومن ترین سازمانهای سیاسی وفادار به هدفها و پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی است، مورد توجه دقیق قرار دهند. بیجاست که زمامداران جمهوری اسلامی، در همه سطوح، به این نکته توجه داشته باشند که، گفته ها و نوشته های حزب ما تنها به صداقت انقلابی و ایمان خللناپذیر به تحقق آرمانهای مردم ایران منتهی نیست، این گفته ها و نوشته ها همچنین حاصل دانش اجتماعی و تجربه اندوزی قریب چهل سال عمر حزب توده ایران و مبارزات فیرمانه آن علیه امپریالیسم و ارتجاع و نزدیک به صدها مبارزه مترقی ترین نیروهای جامعه ایران در نیل به استقلال، آزادی، پیشرفت و رفاه برای مردم ایران است.

با آنکه مسائل مردم واحد اقتصادی - اجتماعی انقلاب ایران، چنانکه یادآور شدیم، در اسناد حزب ما و نامه مردمی به دفعات و بکرات بازگو شده، با اینحال ضرورت می دانیم، اکنون که دولت جدید در ظرف تشکیل است، برخی نکات اساسی و عمده را در ارتباط با حل این مسائل یادآور شویم، تا بنوبه خود به تمسیر آغاز کار دولت کمک کرده باشیم.

انقلاب مردم ایران در وهله اول، انقلابی ضد امپریالیستی است این بدان معنی است، که هدف عمده و درجه اول انقلاب، پایان دادن به مسئله امپریالیسم و استثمار بر کلیه تشوین سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه ایران است. در زمینه های سیاسی، نظامی و فرهنگی، با محور رژیم دستنشانده شاسابق، لغو قراردادهای نظامی، طرفداران و مستشاران امریکائی، بستن لانه جاسوسی و اطلاعات نظیره گماشاید موزری برداشته شده است. گامهای دناست این گامها، با تمام اهمیت که

دولت جدید و حل مسائل اقتصادی - اجتماعی

دارند، تابع محسوس را بیارتخواهند آورده، اگر تصمیمات قاطع در زمینه رهائی ایران از تسلط اقتصادی، امپریالیسم و استثمار از جامعه ایران برداشته نشود.

در زمینه رهائی از تسلط اقتصادی، امپریالیسم، اکتفا کردن به ملی - کردن ها، طرف سرمایه خارجی و راندن عوامل امپریالیستی و نواستعمار، ولو این اقدامات قاطعانه هم صورت گیرد، کافی نیست. در اینجا مسئله عمده پایان دادن به وابستگی اقتصادی در تمام مظاهر آن است.

وابستگی اقتصادی به امپریالیسم عمده ترین معرای خطر در خنثی ساختن پیروزیهای است که در همه زمینه های رهائی سیاسی، نظامی و فرهنگی در دوران پس از انقلاب کسب کرده ایم. قطع وابستگی اقتصادی و تأمین استقلال اقتصادی در برابر امپریالیسم و نواستعمار امری اساسی و عمده تثبیت پیروزیهای بدست آمده و تأمین بارجایی و ثبات قطعی انقلاب مردم ایران است.

در ارتباط با اهمیت مسئله اخیر بدرستی این موضوع مطرح میشود که از چه راهی میتوان به رهائی از وابستگی اقتصادی و تأمین استقلال اقتصادی نائل شد؟ پاسخ گویای روشن است: تنها از راه پایه گذاری ریشه ها و بنیانهای صنعتی - کشاورزی و صنایع سنگین و سادو، و مقدم بر هر چیز، پرداختن به تولید و مسائل تولید در داخل کشور میتوان به تأمین استقلال اقتصادی نائل شد. بدیگر سخن، تهیه و تکوین برنامه جامع صنعتی کردن اقتصاد ایران از مسائلی است که باید در صدر برنامه دولت انقلاب قرار گیرد.

صنعتی کردن ایران در مرحله کنونی رشد اقتصادی - اجتماعی، بعنوان امر اساسی رشد و ترقی، استقلال و پیشرفت، نه فقط ممکن، بلکه ضرور و حیاتی است. مخالفت دول امپریالیستی و رژیمهای سلطنتی دستنشانده آن با صنعتی کردن ایران طی یک قرن و نیم اخیر، از عوامل زیربنایی در جازدن ایران در عقب - ماندگی بوده است.

تسلط امپریالیسم و استثمار برای ایران مانع از آن شده که اقتصاد ایران به آزادی راه تکامل رالیه رسد و از مرحله تولید کالاهای مصرفی به تولید و مسائل تولید ارتقاء یابد. اقتصاد ایران که بطور خودبخودی و در شرایط رژیم سرمایه داری وابسته، مراحل اولیه رشد صنعتی را از دست می دهد، در نتیجه تولید کالاهای مصرفی را آغاز کرد، از چند دهه به این طرف، بویژه پس از دوران ملی شدن نفت، به صد از ارتقاء به مرحله تولید و مسائل تولید، که مفهوم واقعی صنعتی کردن و استقلال اقتصادی یک کشور را دربر می گیرد، بنا داشته شده است.

استعمار امپریالیسم و نواستعمار آگاهانه و بایک سیاست دقیق حساب شده، مانع از خروج اقتصاد ایران از حائره بسته تولید کالاهای مصرفی و ارتقاء به مرحله تولید و مسائل تولید، یعنی پرداختن به صنعتی شدن واقعی شده اند. رژیم کودتائی و دست نشانده شاه سابق نیز، با آنکه پیشترین امکانات مالی درآمد عظیم نفت را در اختیار داشت و گامی بگام به ایجاد صنایع سنگین مادر نظیر می کرد، به موجب مأموریت خائنانه ای که داشت، هیچگاه مسئله صنعتی کردن واقعی ایران، ارتقاء اقتصاد ایران به مرحله تولد و مسائل تولید در داخل کشور را مطرح نکرد. رژیم ننگین پهلوی پدر و پسر، به عکس، به دور امپریالیستی و استثمارگران غارتگر لشکر کشید، با غارت درآمدی نفت را، با چپختن دادن صنایع ایران در جهت وابستگی به مونتاز و تولید کالاهای لوکس و با واردات متعادل عظیم کالا از خارج، اقتصاد و بازار ایران را در مصرف خود غنکادارند و مانع از صنعتی شدن ایران شوند.

انقلاب عظیم مردم ایران، بر مبنای قلمروانه اما مشخصی، دو عاصه عمده و اولویت بخشیدن به تولید عمده و ماشینی در اقتصاد صنعتی ایران و تمرکز همه جانبه این اقتصاد در دست دولت، از شرایط اساسی موفقیت در امر صنعتی کردن کشور خواهد بود. برنامه صنعتی کردن تنها شامل اجرای طرحهای نیمه تمام مقرون صرفه از نظر اقتصادی و برآوردن بخش هر چه سریعتر آنها نیست، بلکه تنوین طرحهای عظیم و مهمی را نیز شامل می شود که بر پایه نیل به خودکفائی ایران در زمینه تولید اساسی ترین و مسائل تولید در داخل و بایدهوسیله

جسمی، مکانیزه و بزرگه، یعنی ایجاد تانکهای تولید کشاورزی و حمایت از کشت و صنعتهای دولتی، همی آید. تنها این راه رشد در کشاورزی می تواند هر چه سریعتر موجبات رفاه توده کشاورزان زحمتکار را فراهم آورد و کشور را از واردات محصولات کشاورزی از خارج بی نیاز و نیازمندیهای حل و آبی رشد صنعتی را برآورده سازد. لاس مبادله و عرضه و توزیع کالا، تقسیم درآمدهای نفت و بودجه سیاستهای مالیاتی و گمرکی و ارزی و بانکی و نظایر آن نیز از اسود اقتصادی هستند که باید در برنامه دولت انقلاب، راه حل مشخص خود را داشته باشند. در حل این مسائل نیز مبادله اصلی و اساسی خلقی و هم اقدامات اساسی زیربنایی، بهبود وضع مادی زحمتکشان، ارتقاء سطح سواد، آموزش، بهداشت و ایجاد شبکه های وسیع راهها، راه آهن، بنادر و قریب نیروی ماهر کار و متخصصین در همه سطوح می گردد. و هم اقدامات اساسی زیربنایی، بهبود وضع مادی زحمتکشان، ارتقاء سطح سواد، آموزش، بهداشت و ایجاد شبکه های عظیم سلاهی و تندرستی کل جامعه و محیط زیست را شامل میشود. در ارتباط با برنامه صنعتی کردن کشور، دولت انقلاب وظیفه دارد که در کلیه زمینه های یاد شده اجرای چنان برنامه هایی را در نظر گیرد که در نتیجه نهائی به تسریع در روند صنعتی شدن اقتصاد کشور و بهبود قابل ملاحظه شرایط مادی و معنوی قاطبه زحمتکشان کمک کند.

تأمین پیشرفت کشاورزی خود کفائی در تولید محصولات غذایی، ارتقاء سطح زندگی و خاتمه دادن به فقر موجود بسیار ناگوار در روستای ایران، وظیفه عمده و اساسی دیگری است که در پسر این دولت انقلاب قرار دارد.

اکثریت جمعیت کشور ما را ساکنان روستاها تشکیل می دهند. اینان در عقبماندگی و فقر و حشمتناکی نگاه داشته شده و به معنی واقعی کلمه تا همین امروز لیس ظلم قرون وسطائی، استبداد موحش بر خاسته نظام فئودال - ملاکی و از یاب ریشخند قزاقی از غارت برآمان دسترنج خود، به وسیله استثمارگران ده و چه واسطه های عرضه محصولات کشاورزی، باقی مانده اند. مسکنه روستائی و دهقانان زحمتکشان ایران را باید از این وضع طاقت فرسا نجات داد.

کشاورزی ایران در دوران تسلط طاغوت از دو جهت و بعد به خرابی و ویرانی کشانیده شد. اول به خاطر قانین متضاد دول امپریالیستی و دوم نوبه اول امپریالیسم آمریکایی که نقشه ورشکستگی اقتصاد روستائی و محتاج ساختن ایران به واردات محصولات کشاورزی را به اجسرا گذاشته بود. دوم اثر غلظت تأمین منابع فئودالی و ملاکین بزرگ، گشاه سابق و خانوادگی در راس آنها قرار داشته و همین دو علت امپریالیستی و رژیم دستنشانده آنها از تأمین خواست توده دهقانان و اصلاحات ارضی واقعی و دمکراتیک سر باز زدند.

اصلاحات ارضی نپسند و دودین از بالا، در چارچوب منافع دول امپریالیستی و فئودالی و بزرگسالکان وابسته به آنها، زبان عظیمی به توده دهقانان زحمتکشان و کشاورزی ایران وارد ساخت. صدها هزار خنوار دهقانان زحمتکش از هستی ساقط شده به شسرها روی آوردند. ایران از وضع کنونی خود کفا در تولید محصولات کشاورزی، به صورت کنونی در آمد که محتاج است تا ۷۰ درصد مواد غذایی خود را از خارج وارد کند.

وظیفه مهمی که در این شرایط در برابر دولت انقلاب قرار می گیرد و اجرای آن از فوریت و اهمیت عظیم برخوردار است، اجرای بدون تاخیر اصلاحات ارضی واقعی و دمکراتیک، بستن ریشه کن ساختن بقایای نظام ارباب ریشخند و مالکیت های فئودالی - ملاکی است که خوشبختانه گامهای اولیه در راه آن، با صورتبندی شورای انقلاب برداشته شده است. در زمینه اجرای اصلاحات ارضی، منافع توده دهقانان و اقتصاد عمومی مملکت اقتضا دارد که، این اصلاحات بر اساس پایه گذاری و تشویق و ترغیب زحمتکشان روستا به تولید

سازمانهای مسئول تهیه گردد

برنامه صنعتی کردن هم چنین شامل تغییر و تحول مطلوب و مورد نظر در ساختار طبقاتی جامعه در جهت است که، جامعه ایران را از توتیت مواضع طبقاتی که قدرت تحقق برنامه استقلال اقتصادی را دارند و طبیعتاً طبقه کارگر و دیانس چنین طبقه ای قرار داده و برخوردار سازد.

پیدا ساختن کمیته های صنعتی کردن کشور در نظام جمهوری اسلامی، که اصل آن برضط و عدالت اجتماعی است، باید امری کاملاً متمایز از صنعتی کردن در رژیم و کشورهای پیشرفته سرمایه داری تلقی گردد. چنانکه می دانیم در رژیمهای سرمایه داری، برنامه صنعتی کردن به جهت فقر معدودی سرمایه داران استثمارگر سرازیر میشود؛ آنها را ثروتمندتر می سازد و در مقابل، توده های عظیم زحمتکشان را بجزیرات استثمار شدیدتر و محرومیت های مادی و معنوی طاقت فرسائی میکشاند. نمونه این صنعتی شدن را رژیم دستنشانده طاغوت در سالهای آخر عمر خود نشان داد. چنانکه همه شاهد بودیم، ثروتمندی مملکت در دست صدهای چپاولگر وابسته به فارتگران خارجی متمرکز گردید و مردود زحمتکشان بویژه از هستی ساقط شدند.

مفهوم و منظور صنعتی کردن در نظام جمهوری اسلامی ایران باید آن باشد که، همراه با اجرای برنامه های آن، نه فقط استقلال کامل اقتصادی حاصل شود، بلکه فواید و نتایج صنعتی کردن نصیب توده های میلیونی زحمتکشان گردد. بدین جهت آشکار است که از همین ابتدا باید به رشد صنعتی کردن در جمهوری اسلامی باید بر اساس مالکیت عمومی بر منابع مده و تولید و مسائل تولید گذاشته شود. در زمینه صنایع بزرگ، تولید کالاهای مصرفی و بطور مطلق در زمینه صنایع تولید و مسائل تولید استقرار مالکیت عمومی ضرور است. در این زمینه، هر آنچه در مالکیت سرمایه های امپریالیستی و بخش خصوصی وابسته به آن باقی مانده، باید به مالکیت عموم درآید.

طبیعی است که برنامه صنعتی کردن شامل روابط کار و سرمایه نیز می گردد. در این باره نیز باید به این منطبق با ماهیت خلقی انقلاب ارضی ایران، جمهوری اسلامی، که توده های زحمتکش و مستضعف نیروی معرکه اصلی انقلاب بوده اند، نمی تواند در این وضع، که کارگران و زحمتکشان هم چنان در معرض استثمار و غارت سرمایه قرار داشته باشند، باقی بماند. امروز وضع چنانست که قسمتی از دسترنج کارگران و زحمتکشان در کارگاه و کارخانه و بخش عمده دیگر آن در عرصه توزیع و فروش کالا و مسکن به معنی واقعی کلمه بظارت می رود. باید به این وضع و روابط که باعث میشود ثروت در یک قلب و فقر در قلب دیگر جمع شود، خاتمه داد.

موفقیت برنامه صنعتی کردن و تأمین استقلال اقتصادی در مبارزه علیه سلطه امپریالیسم و استثمارگران و مرزبانیهای وابسته به آن در داخل، مستلزم آنست که حمایت از کار و کارگر در مرکز دید و اقدامات دولت انقلاب قرار گیرد. در غیر این صورت بعد خلقی انقلاب ناپسند خواهد بود و خنواردهای بعد از آن را می گیرد.

اگر دولت بخواهد توفقات سرمایه را برآوردن بخش غرض نه فقط در برخورد با مسائل و ماهیت انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی است، بلکه شکست انقلاب در نیل به هدفهای ضد امپریالیستی را دربر خواهد داشت. پذیرش راه رشد غیر مرزبانی داری در شرایط حاضر جهان ایران یگانه راه حصول امنیت و بخش به هدفهای ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب عظیم مردم ایران است. هر نوع عدول از این راه، تحت عنوان حمایت از سرمایه، نتایجی غیر از

مسائل قبایل و عشایر در ایران

ایران انقلابی، که می‌رود وارد مرحله سازندگی و تغییر بنیادی ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه شود، نمیتواند میلیونها ایرانی را، که بنام عشیره و ایل، از آذربایجان تا فارس، و از خوزستان تا سیستان برانگیزد، نادیده انگارد. اینها از محرومترین و دردمندترین همسایگان ما هستند. شرایط کار و زندگی آنها در نهایت عقبماندگی است، و حل مسائل مربوط به آنها نه تنها دارای اهمیت اقتصادی است - بویژه از نظر دامداری، که شغل اصلی اکثریت آنهاست، و تهیه گوشت مورد نیاز و سایر مواد اولیه ناشی از دامداری - بلکه دارای اهمیت سیاسی، بویژه از نظر جلب این نیروی عظیم انسانی به انقلاب و خارج کردن قلمی آنها از دایره نفوذ عناصر ضدانقلابی و وابستگی به امپریالیسم است، که بر طبق رسوم سنتی هنوز قدرت اعمال نفوذ فراوان دارند.

عد ثانیاً چقدر است؟ کسی دقیقاً نمیداند. در بسیاری نقاط حدود ۱۰ تا ۳۰ درصد آنها حتی شناسنامه ندارند. چه بسا از دواچه‌ها نیز در هیچ سند رسمی قید نمیشود.

مسائل عدس آنها و اولویت حل این مسائل کدامست؟ هنوز باید مطالعه جدی انجام شود تا پاسخ درست مسئله پیدا شود. ولی طرح مسئله کاملاً حادث است و کاملاً ضروری است. بویژه بدین جهت که مسئله از بر بنیاد از بین بردن مالکیت‌های بزرگ استثمارگرانه و زمین‌دار کردن دهقان تبه‌دست، که انتظار و امید عمومی روستای ایران است، حل مسائل قبایل و عشایر تویق انداختنی و تاخیرپذیر نیست. آزاد کردن صدها هزار نفر از عشایر تبه‌دست از سلطه طولانی و گران‌باز خویشین، باید با بهای حل مسئله ارضی بیش رود و آنرا کمال کند. همه کسانی که اندک آشنایی با وضع عشایر دارند، میدانند که عمده‌ترین مسائل فوری و حیاتی آنها عبارتند از:

- ۱- مسئله تغذیه دام و کسب علوفه.
- ۲- مسئله خدمات دامپزشکی و مبارزه با بیماریهای دامی و واکنش کردن حیوانات.
- ۳- مسائل رفاهی، بویژه آموزش و بهداشت، که اغلب مفاهیم بکلی ناشناخته‌ای در جامعه عشایرمان است.

از او خواسته میشد گزارش مرتب از وضع عشیره و روحیه افراد و عقاید و عمل آنها.

سازمان دامداران متحرک در منابع طبیعی، اگر کاری کرده باشد، مهران حمام‌کبه برای زودن که از حیوانات بوده است. تازه حمام مربوط به شصت و پنج تا هفتاد سال استانی نیست. بویژه این سازمان هم وسیله‌ای برای سرگردان عالی‌رتبه میشد.

طراحان مدرن هم وقتی برنامه‌ای را پیاده میکنند، کاری جز کینه‌کرنی فرمولهای کشورهای دیگر، آنهم نه کشور های کم و بیش مشابه ما، بلکه کشورهای پیشرفته سه‌بهره‌داری (سفر به آنگاه و «مطالعات» البته جالب‌تر بود!) انجام می‌دادند. مثلاً یکی از طرحهای عشایری در ایران، درست نسخه بدل کامل و بدون تغییر یک طرح استرالیایی بود!

سازمان برنامه در بخش عشایری خون کاذب دیگری بود برای بالا کشیدن بودجه های اختصاصی و در عین حال وسیله جاسوسی در دنون عشایر. برای سواک اهمیت

عدتاً برخورد مصرفی است. گاهی هم برای جبران کمبود بوده و نجات خانواده، غارت دهان و تولیدات روستایی که در مسیر گذر قرار دارد، اساس کار قرار می‌گیرد. گاه و بویژه هنگام خشکسالی و سوخته شدن مراتع، عشایر سر راه خود، در کشتزارهای دهقانان کبزیمن و مزارع دهقانان خرمدی نیز دامها را میچرانند و کشت را نابود میکنند. عشایر فقیرتر از دهقانان کبزه زمین‌انده و نه تنها توسط قهرطبیعت در معرض خطر قرار میگیرند بلکه توسط سلفخران شریکها نیز چپاول میشوند.

در گذشته، در مواقع بروز خطر و هنگام باج‌گیری خانها و کلاتران از دولت‌های مرکزی، به لحاظ حاکم بودن ساخت ایل بر جامعه عشایری و نیرومند بودن ویژگیهای پند-سالاری، همواره عشایر تبه‌دست زگیر گوشت دم سوپ و آماج گولوله‌ها قرار می‌گرفتند و قربانی منافع خانها میشدند و هنگام قدرت دولتها نیز، بجای خوانین، قلع‌عام می‌شدند.

بررسی جنگهای عشایری در ایران نشان میدهد که، نباید هرگز ایل را، که ساخت معینی دارد، با رئیس ایل (خان) اشتباه کرد. خان اغلب در رأس قبیله قرار می‌گیرد و وظیفه اداره ایل را بر عهده دارد. در قدیم زمینها و مراتع ایل در مالکیت قبیله یا خانهای کوچک (کلاترها)، اراضی قبیله‌ها بالا کشیدند و مالک و زمیندار شدند و ایلات تبه‌دست ماندند. بنام بر این نباید همه را با یک چوپرانند و کاری انجام داد که عشایر وابار شوند. تا صورت مبارک خوانین درآیند و از منافع آنان دفاع کنند. لذا عشایر و ایلاتی که عدساً ساکن هستند، ولی ساخت ایل خود را حفظ کرده‌اند، در نظام اقتصادی که مبتنی بر تولید زراعی و دامی است، بسر می‌برند. این عشایر و صورت دهقانان تبه‌دست و خرمدی و مرفه در روستاها زندگی میکنند. حیات عشایر تبه‌دست فرق چنانچه با زندگی دهقانان تبه‌دست ندارد. این عشایر توسط سلفخران از یک سو، و بوسیله بزرگسالان (خان) های سابق (از سوی دیگر، مورد بهره‌کشی قرار میگیرند، کم آبی و آلودگی زمینهای زراعی آنان، که بطور متوسط کمتر از ۲ هکتار است)

۱۵ راس گوسفند و بز است. خانوارها به دنبال آنها با زن و کودکانشان در حرکتند. البته کم نیستند عشایر دامدار ساکن در ده که خانه ثابت دارند. در اینصورت مثلاً ۱۵ خانوار از ۴۰ خانوار ده کوچ می‌کنند و با خود گوسفندان همه ده را می‌برند. اینها زمین زراعی هم دارند، و آنها که می‌مانند، به کارهای زراعی سر و صورت می‌دهند. در این حالات، اشکال بسیار جالب تعاونی و همیاری و سستی محکم، برای تعاون واقعی آنها که در بیلاق می‌مانند و آنها که به قتلقت میروند، و آمیختگی در نوع کار زراعی و دامداری و بهره بردن هر دو دست از هر دو نوع کار دیده میشود. که گاه در درون خانواده است و گاه به شکل روابط پولی و دمی‌آید. ولی البته ساخت طبقاتی عشیره بسیار فریغ است و درست برای حل مسائل باید این ساختار طبقاتی را شناخت و بر سر شالوده امکانات کمک دولتی و شکل تعاونی کار و تولید، زمینه را برای رهائی تبه‌دستان عشایر از زنجیر استثمار و ظلم فراهم ساخت.

علیرغم خصوصیات جغرافیایی منطقه، که گاه بسیار مهم است و ناشی از زندگی وابسته به اقتصاد دامی است، بطور عمده میتوان سه گروه را در بین عشایر از هم تمیز داد:

- ۱- مزدور یا مزدور، که خود هیچ گوسفند ندارند، مال عشیره را میبرد و زیاد میکند و برمیگردد و از این راه امرارق میکند.
- ۲- شریک یا سهم‌بر، که خودش هم دام دارد، ولی کافی نیست، و در

نقل و انتقال دام دیگران را هم میبرد و زیاد میکند شریک میشود. ۳- بزرگ دامدار، که گاه چند هزار دام دارد و اغلب خانوادگی حرکت میکند، و چه بسا با حدود ده هزار گوسفند برای میانشان بزرگ دامداران البته چوپانهای برای نگهداری دارند و اگر چه خودشان هم همراه هستند، ولی عده چوپان‌های متعدد میتوان نگهداری کرد.

بزرگ‌دامداران از اغلب امکانات دولتی، و جمله ملوقه و دام و اجاره مراتع، استفاده میکنند و میتوانند به بهره‌کشی از چوپانها و مزدورها بپردازند. چه بسیار دیده میشود که اهالی عشیره را به بیگاری نیز واصل‌نارند.

برای حل مسائل اجتماعی و اقتصادی عشایر و قبایل باید در جهت منافع طبقاتی زحمتکشان تصمیم گرفت و ظلم و بهره‌کشی راه که پنحو کاملاً مشخصی در محیط عشایری مطرح است و آمیخته با بقایای نیرومند نظامات پدسالاری و سنت‌های وابستگی شترمای و خونی است ریشه کن کرد.

بدون چنین برداشتی، مسائل رفاهی و زندگی روزمره عشایر را نمیتوان حل کرد و ارضیه استعمار برخوردارهای درون ایل یا بین عشایر و دهقانان سر راه راه، که دیگر در جامعه انقلابی ما قابل توجه و قابل قبول نیست، نمیتوان از بین برد.

در بین عشایر از بهداشت خبری نیست. مدرسه نمیتواند وجود داشته باشد. از درمانگاه و پزشک نیز آری نمیتوان یافت. در این جامعه تولید

آنچه نباید کرد

محنه زندگی و کار عشایر از نظر سواک الجشی و امکانات سدانقلاب برای بسوخ و تحریک و آتی افروزی، صحنه بسیار مهم حیاتی است. باید آنرا از چنگ‌فصل امپریالیسم بدر آورد. تنها راه قطعی و بنیادی، رسیدن به این هدف، حل بنیادی و واقعی مسائل عشایر است تا بتوان ۶ میلیون افراد عشایر و قبایل را با تمام قلب و روح در کنار انقلاب و منافع انقلاب قرار داد. از درسهای متفی رژیم گذشته باید آموخت، باین معنا که، پنحوی خلقی و با برداشتی بکلی تازه، با این مسائل بر-خورد کرد و آنها را در صمل و بسود زحمتکشان عشایر و از راه کوتاه کردن دست خوانین و زورگویان و چپولکران و با احتراز از هرگونه دخل‌کاری دستگه اداری و انتظامی، که اعتماد شایر را از ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی سلب کند، حل نمود.

روز چهارشنبه بیستم مرداد ماه، روزتاری را زیر عنوان «تدیس‌های» در، از زندگی و کار عشایر تحقیقی چاپ کردیم، که خواننده‌ایند تدیس‌ها ساخته و پرداخته نظام ظلم و بهره‌کشی هستند. انقلاب ما باید بتواند آنها را بموزما سپرد. انقلاب ما باید بتواند بجای آنها بیکرهای شکوفای انسانهای پر امید و سربلند و بهروز را بسازد.

عدیده و حیاتی آنها طبق برنامه مین و بطور جدی مطالعه و حل شود.

رضاخان دستور میداد که بر روی چادر سیاه عشایر چلوار سفید بکشند. محمد رضا بهنگام فتحککه «چشپای» ۲۵۰۰ ساله، کلیه چادرهای عشایر را بزور زاندارم از خطسیر شیراز - تخت جمشید - پاسارگاد و اطراف برچید، تا حتی با هلیکوپتر هم چادرهای سیاه در کشور انقلاب سفید (!) دیده نشود.

رضا خان بزور سرنیزه، زیر هاتون اسکان و تخت‌قاوه، توده زحمتکش و اسیر عشایر را زیر شدیدترین فشارها قرار داد. در زمان محمد رضا نیز خانه‌های گلی اسکان مدرن (!) عشایر، در سرحد چهار دانگه، در همان زمستان سال احدات بر سر محرومان عشیره خراب شد.

انقلاب بدوران پهلوی‌های فاسد و جایگزین وابسته به بیکنه و خدنگ‌گراد چپولکران ختمه دلخ انقلاب باید به دوران برخوردارهای سطحی، یا جزورانه یا ظن-سازی یا قاترگرانه، یا سرکوب‌گرانه یا مسائل عشایری نیز خاتمه دهد.

حیاتی داشت که بدانند در درون ایلات چه میکنند، و چه بسا که بچه‌های خانها را بدین منظور بخدمت می‌گرفت و آنها را از بودجه سازمان برنامه تغذیه میکرد تا پرورنده خالی نمایند.

از طرح جنگلیانی نیز رژیم ملیه‌شایر استفاده میکرد، حیادهاسته جنگلهای چریکی ایجاد شود و تغییر مکانها همیشه زیر نظر گرفته میشد.

روش رژیم گذشته در برابر عشایر از سرشت آن مایه می‌گرفت. عزت و وزدی از یکسو، جاسوسی و ساواک‌بازی اینسوی دیگر، دو جنبه اساسی آن بود. آن رژیم نظری به‌حل مسائل واقعی عشایر نداشت.

جامعه انقلابی ما، که یکسره به‌ملازمت و روشهای طاغونی می‌خواهد پایان دهد و شالوده برخوردار خود را بر حقوق مستضعفان و منممله زحمتکشان عشایر و انتلاری واقعی و سالم اقتصاد کشور قرار دهد، باید بکلی از آنچه در گذشته میشد احتراز جوید.

۶ میلیون عشایر ایرانی تشنه تحول بنیادی هستند، آنها بحق انتظار دارند که مسائل

رژیم طاقت و صلکرد آن میتوانمعلم ما باشد، معلمی که بصراحت میگوید: چه کارها نباید کرد!

در واقع تمام تدابیر و برنامه‌هایی که در رژیم گذشته برای عشایر تدوین و انجام شد، یا بمنظور خفه کردن صدای ختم و انتراض زحمتکشان عشایر، یا برای ظاهرسازی و یا وسیله چپاول و پول به‌جیب زدن بوده است. اگر مناسبت‌های شخصی و پراکنده عدهای افراد دلسوزه مین‌دوست و انسان‌دوست راه که بکلی در جهت عکس‌تدابیر شاهانه عمل میکنند، کار بگذاریم و برخی از خود گنشتکرها و فداکاریهای معلمین یا دامپزشکان یا پزشکان را، که حساب بکلی چندانگنهای از برنامه‌های رژیم گذشته دارند، در نظر نگیریم، هیچ کاری - بطور مطلق هیچ کاری - که تأثیر مثبت و بنیادی در وضع عشایر داشته باشد، در رژیم پهلوی انجام نشد، شایر تا آنجا که اولاً میتوانستند منبع درآمد و وسیله زدی باشند، ثانیاً وسیله سرکوب و فضا، افکن باشند و ثالثاً برای برنامه‌های شهبانوی هنرمندان (!) عکس و تصویلات تهیه کنند، مورد توجه بودند و لاغیر.

سازمان رفاه عشایر، در آبادانی و مسکن کاری نداشت، جز جاسوس پرورزی، خبر-جینی و تهیه مدرک و پرونده برای ساواک. حقوقی که بمواول مربوطه پرداخت میشد، بیش از حقوق یک معلم بود، و کاری که

برقرار باد اتحاد همه نیروهای دمکرات ایران در جهت وحدت خلق

در دومین سالگرد فاجعه سینمارکس آبادان: با اتحاد انقلابی خلق، توطئه‌های امپریالیسم امریکارا افشا و سرکوب کنیم

• محاکمه و مجازات سریع عاملین فاجعه سینما رگس خواست مردم ایران است.

جنایت هولناک‌شدند و خاطر مریانیان بیگناه فاجعه سینمارکس را در فریاد های رزم و دلآوری خود گرامی داشتند.

دیروز دومین سالگرد سینمارکس بود. فاجعه‌ای که در آن ۱۰۰۰ تن از مردم ایران، در آتش نفرت امپریالیسم نسبت به مبارزات قهرمانانه مردم ایران، سوختند و داغ تنگ دیگری بر پیشانی رژیم وابسته و جنایتکار شاه مخلوع باقی گذاشتند. دوسال پیش در چنین روزهای

دیروز دومین سالروز کشتار سینما رگس آبادان و روز تجلی خشم خلق بود. تجلی خشمی که از سینما های سوزان مردم قهرمان مابهورت فریادهای «مرگ بر آمریکا» زیانہ کشید و قلب دشمنان انقلاب را آماج تمله‌های خویشت کرد. تجلی خشمی که پس از گذشت ۲ سال از فاجعه کشتار مردم بیگناه در سینما رگس آبادان، هنوز جوشندگی و توفندگی روزهای نخست خود را حفظ کرده بود.

دیروز مردم اهواز و آبادان، به دعوت از گانهای انقلابی شهر، عزای عمومی برپا داشتند و طلیک رام پیمایی باشکوه، به سوی مدفن صدها تن از مردان، زنان، بچه‌ها، جوانان و کودکانی که در آتش جنایت امپریالیسم سوختند، شتافتند. آنان یکپارچه و مضمم برس مزار آن عزیزان پیمان بستند که تا نابودی کامل نژادپرستی و امپریالیسم آمریکا، تا سرکوب تمامی عوامل و مزدوران شیطان بزرگ و تا پیروزی کامل انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران از نیا نشینند و مبارزه خود را علیه تمامی دسایس و توطئه‌های شیطان آمریکای جنایتکار ادامه دهند. مردم قهرمان خوزستان خواهان محاکمه سریع و انقلابی عاملان این

و شور مبارزاتی خلق در نابودی تمامی عاملین کشتار و شکنجه دوران ۲۵ ساله حاکمیت رژیم شاه سابق است. بلکه نشاندهنده استواری آنان در تصمیمشان برای نابودی و از هم گسستن تمامی پیوندهای اسارت و وابستگی به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکای جهانخواز است. مسئولین ذادگانه انقلاب اسلامی آبادان باید با توجه به این خواست برحق و انقلابی مردم، بدون هیچگونه ساسحه و سستی، ذرخیمان را به پای میز محاکمه کشند.

ما در دومین سالگرد فاجعه سینما رگس آبادان، ضمن گرامیداشت خاطر قریبانیان آن و ابراز همدردی با بازماندگان این جنایت عظیم، همبای مردم قهرمان ایران خواستار مجازات سریع عاملان آن هستیم و پیمان می‌نماییم که در مبارزه با امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکای جنایتکار، را که نقشه‌های توطئه‌گرانه‌اش علیه انقلاب هر روز قزونی می‌یابد، مساند همیشه‌ماندی اتحاد و تقاضای محاکمه و مجازات سریع و تقاضی که تنها ضامن قلبه‌بر توطئه‌ها و برای تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ایران است.

در جهت ایجاد شکاف بین نیروهای خلق برایش سوری نداشت. مردم قهرمان، با اتحاد بولادین و تیرد حماسه آفرینشان، قول بزرگ تجاوز و غارت و جنایت را سرنگون کردند و ضربه سترگ و عظیمی بر بیکی امپریالیسم آمریکا وارد آوردند. بدنبال پیروزی انقلاب شکوهمند ایران، مردم قهرمان ما و بویژه اهالی خوزستان و بازماندگان شهیدای سینما رگس آبادان، انتظار داشتند که رادگاههای انقلاب بطور سریع و قاطع جزئیات این فاجعه را روشن کند و عاملین جنایتکار آرا بسه مجازات رساند. لیکن مقامات مسئول به این انتظار بحق مردم واقع‌چندانی نگذاشتند و تظاهرات و درخواست های مکرر مردم برای تشکیل دادگاه مجرمین، تا چندین پیش با بی‌توجهی روبرو بود. تنها چند هفته پیش دادگاه انقلاب اسلامی آبادان با انتشار لیست ۳۲ نفر از متهمان این جنایت، آنان را احضار کرد. این عمل گرچه با تاخیر بسیار انجام گرفت، لیکن اگر بطور جدی و پیگیر انجام گیرد می‌تواند به محاکمه و مجازات سریع قهرمان ایران جامه عمل ببوشاند. محاکمه و مجازات جنایتکاران این فاجعه هولناک تنها بیانگر عزم

غرض «مرگ پرشاه» و «مرگ بر پهلوی خان» فضای شهر را به لرزه درآورد و رژیم شاه سابق را پیش به وحشت انداخت. ورزش مکرر در خیمان شاه سابق به گورستان آبادان تیراندازی به سوی مردم بیگناه که در این حادثه به خیابان‌ها ریخته بودند و سرانجام محتمل‌سازیهایی دل‌تکان درباری برای سرپوش‌گذاشتن بر این جنایت عظیم، همگی بیانگر ضربت مهلکی بود که این فاجعه، بر عکس انتظار عاملان رژیم شاه سابق وارد آورده بود. کوششهای رژیم شاه سابق برای بهره‌برداری سیاسی از این جنایت

بین صفوف متحد خلق در نبرد با امپریالیسم آمریکا در رژیم وابسته‌اش تفرقه بیندازند. تبلیغات بلندگوهای مزدور رژیم گذشته در این جهت بخوبی نمایانگر مقصود پلید این سیه‌دلان بود. اما با وجود تمامی این فعالیتها، نقشه آنان با شکست مواجه شد و در ایشناک شاه سابق، بر خلاف انتظارش، بدل به آوار میبوی گشت. که بر سر او و رژیم فاسد و مزدورش گورستان آبادان، که رژیم می‌خواست از آن صدای نوحه و ناله بازماندگان فاجعه برخیزد، انکاس دهنده خشم و نفرت خلق گشت.

چرا باید همکاران بختیار و کسانیکه در خارج علیه انقلاب کار میکنند، هنوز هم حقوق بگیرند؟

● نماینده فسا: کوتاه کردن دست امپریالیسم بسیار با اهمیت است و باید تداوم پیدا کند

● نماینده گچساران: علت آتش‌سوزی، که منجر به انفجار شد، باید روشن شود

داشتم. قاتلین این ۴ شهید هنوز هم آزادانه در کشور رفت و آمد میکنند از مسئولین می‌خواهم که نسبت به دستگیری و مجازات آنها اقدام شود

وی هشدار داد که «اگر زودتر کمک نرسد باغاشان هم ازین خواهد رفت. خواهش من اینست که مسئولین امر و نیز وزارت کشاورزی، که وظیفه‌اش کمک به کشاورزان است، هرچه زودتر به کمک روستاییان بروند»

علیرزاده نماینده قلمشهر، نیز به مشکلات حوزه انتخابیه‌اش پرداخت و ضمن اشاره به مشکل بیکاری در مازندران، از دولت خواست، تا طبق اصل ۴۳ قانون اساسی که تامین حداقل شرایط زندگی را به دولت جمهوری اسلامی ایران گذاشته، با ایجاد کار، این حداقل زندگی را برای مردم تامین کند.

نایب‌رئیس هیات مدیره، دکتر علی‌اکبر صادقی، در این باره اظهار تأسف کرد و گفت: «ما در این باره اقدامات زیادی انجام داده‌ایم و در این باره هم باید به مردم اطلاع دهیم»

«بلوچ‌ها» افراد نامور تصفیه افراذ مومنی هستند ولی تجربه زیادی ندارند. می‌دانند بهلت اشتباهاتی خانوادهاشی متلاشی شوند و افراد فاسدی تصفیه نشوند. باید ضوابط مشخصی و معین در نظر گرفته شود. وی سپس به مساله دادگاههای مدنی و طلاق و حقوق زن پرداخت و گفت: «کارا خواهران و ملدان از دور و نزدیک ازمن خواسته‌اند که چاره‌ای برای ازاین طلاق بی‌بندیم» وی پس از هشدار درباره طلاق و

حداقل سه ماه مدرسه است. غالب روستاهای کمی مدرسه شکایت دارند. مساله بهداشت است. بیشتر روستاییان از کمبود و نبودن پزشک و دارو می‌نالند. مساله دیگر آب و برق است. اکثر روستاها از نظر آب آشامیدنی در ضعیف هستند. مساله برق که متأسفانه تنها روستاها فریاد می‌زنند، خود شهر هم در ضعیف و فشار است. مساله راه، که این هم از نیازهای است که جزوه‌ها و حداقل شرایط زندگی است. امیدواریم دولت جدید در حل این مشکلات موفق شود و بطور انقلابی عمل کند و تمام هائی بردارد که نمی‌گردد از همان سال اول همه مشکلات حل شود. ولی مردم بدانند که مثلا سه سال دیگر مشکلاتشان حل می‌شود.

آنکاه حجبی نماینده میله، ضمن سخنانی گفت: «ملت غیور ایران، فراموش نکنیم آرزوهای را که ۲۰-۳۰ آمریکائی بر همه شئون ایران مسلط بودند. پلنگانه افسران و کاخ جوانان و... لانه فساد شده بود. جوانان ما آلوده به هرورین شده بودند. اما امروز این لانه‌های فساد برچیده شده و مشتریان «شرف» ترک‌اتحاد کرده‌اند»

وی سپس ضمن اشاره به نارضایتیهای مردم، که بنا بر نارضایتی طاعتیان ضربه خورد و منتقد از دست داده فرق دارد، از مقامات مسئول خواست که به مشکلات مردم رسیدگی کنند و وی افزود: «امیدواریم دوباره زنجیر عبودیت و رقیت را به گردن این ملت انقلابی نزنند. اینهم مربوط است به فداکاری ما. ما باید انقلاب را حفظ کنیم» وی آنکاه از مقامات مسئول متوال کرد:

انماوالی که پس از پیروزی انقلاب مصاربه شده است، کجاست؟ افرادی که خارج از کشور از حقوق بازتستگاری استفاده می‌کنند و ضلالت‌های هستند. بطور کلی افرادی که با بختیار بختیار همکاری میکنند چرا باید حقوق بگیرند؟ حجبی آنکاه به مشکلات حوزه انتخابیه‌اش اشاره کرد و از مسئولین خواست که نسبت به حل آنها اقدام کنند. وی افزود: «در تظاهرات پیش از انقلاب ۴ شهید

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که در ساعت ۹ صبح برپاست، حجت‌الاسلام رفسنجانی تشکیل شده و وی در رابطه با سالگرد فاجعه سینما رگس آبادان گفت:

«امروز سالگرد فاجعه سینما رگس آبادان است. من به نمایندگی از طرف نمایندگان مجلس شورای اسلامی به بازماندگان شهیدای سینما رگس آبادان تسلیت می‌گویم»

آنکاه دکتر احمد پشته، نماینده فسا، عنوان نخستین نطق پیش از دستور گفت:

«در روزنامه‌های ۳-۴ روز گذشته مطلبی به چشم می‌خورد، حاکی از اینکه کلانتر در روز عید فطر برای مسلمانان آمریکا پیامی فرستاده است و فریادند مارکوس دستور دنده وزارت امور مربوط به مسلمانان تشکیل شود و در کلابلاکتا کنفرانسی قس تشکیل شده. این جریان نشان می‌دهد که دشمن اول می‌خواهد در میان توده مردم مشروعیت کسب کند و بعد بخواهد به ما ضربه بزند. مقارن همین برنامه‌ها می‌بینم از طرف متیان عالم هستی (یکی از نمایندگان تذکر داد که بعضی از متیان در کشورهای نظیر مصر) مسئله تکثیر مطرح می‌شود، تا از این راه بتوانند احسان مردم مسلمان خارج از کشور را نسبت به انقلاب جریحه‌دار کنند. من معتقدم خود این جریانات نشان می‌دهد که موفقیت ما موفقیت حلسی و پراهمتی است و اگر چنین نبوده که مسئله تکثیر مطرح بود، نه پیام کلانتر در روز عید فطر، و نه مسائل دیگر. بنابراین باید توجه کنیم در این موفقیت حلسی نه تنها باید اسباب تصفیه انقلاب را فراهم کنیم، بلکه با وحدت و هماهنگی و اخلاص عیق در این راه ۳۳ برداریم و به پیش برویم. وظیفه ملت که قدر خودمان و انقلابمان را بدانیم و اینک که در آستانه تشکیل کابینه هستیم، توجه بکنیم که چه نیازهایی در درجه اول اهمیت قرار دارد. مساله کوتاه کردن دست امپریالیسم بسیار اهمیت دارد. منظورم آنست که این مساله قواوم پیدا کند. مساله دیگر قطع ایدی استعمار در داخل مملکت است. مساله دیگر عدم توجه به رابطه و توجیبی عیق و دقیق و هشیارانه مضابطه‌ها. مساله مهم دیگر مساله امنیت اجتماعی است، که متأسفانه در گوشه و کنار مملکت با این مشکل روبرو هستیم و می‌بینم که دشمن از راههای گوناگون امنیت ما را مورد هدف قرار داده و می‌کوشد امنیت ما را در معرض خطر قرار دهد»

وی افزود: «مساله مهمی که الان باید به آن توجه شود، این است که ما باید حداقلی برای زندگی مردم مملکتمان به خصوص در روستاها تعیین کنیم. اکثر جاهائی که من سراقتی کرده‌ام، تمام صحبت همین حداقل شرایط زندگی است و خوشبختانه مردم کمک شخصی نمی‌خواهند. نیازها عموماً اجتماعی است و بر معور حداقل زندگی دور می‌زنند. این

چشم استقلال افغانستان

مردم افغانستان دیروز جشن استقلال خود را بزرگ داشتند و بدین ترتیب سالگرد پیروزی خود را بر نیروهای بریتانیایی برای شصت و یکمین بار جشن گرفتند. اتحاد شوروی از نخستین کشورهای بود که استقلال افغانستان را برسریت شناخت.

مردم افغانستان اینک به حرکت انقلاب دمکراتیک سال ۱۳۵۷ و علیه مداخله مسلحانه کشورهای امپریالیستی و وابسته و مائوتیست‌های چین، راه نوسازی‌های بنیادی را آغاز کرده‌اند.

استراتژی دیوانگی کارتر کس‌هال، دبیر کل حزب کمونیست آمریکا، دولت کارتر را به نظر دامن زدن هیستری جنگ و افزایش سرسام‌آورد تولید تسلیحاتی مورد حمله شدید قرار داد. وی در کنفرانسی مطبوعاتی در دبستانگاه ملی خطبوعات در واشنگتن، استراتژی هسته‌ای جدید دولت را «استراتژی دیوانگی» خواند.

کس‌هال به تصد کارتر در سال ۱۹۷۶، منبر کاهش بودجه تسلیحاتی اشاره کرد و گفت که، این بودجه در سال ۱۹۸۱ دو برابر بیکر، سال ۱۹۷۶ خواهد بود.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دکتر نامه مردم فعلا در اشغال عناصر غیرمسئول است)
NAMEH MARDOM
No. 312
20 August 1980
Price: West-Germany 8.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود